

کتاب طوڤیت

شامل :

پیشگفتار

متن

کتاب طوبیت

پیشگفتار

شفا دهد. طوبیت که از خواست خدا خبر ندارد و در جریان تأمین آتیه پسرش طوبیا است تصمیم می‌گیرد وی را برای وصول پولی که در سال‌های گذشته در سرزمین ماد به ودیعه گذاشته بود به مسافرت بفرستد. لذا اصول حکمت اجدادی را چون توشه راه به وی می‌سپرد. رفائیل فرشته که به قیافه آدمی درآمد، به عنوان بلد و راهنمای مسافرتی پُرماجرا در کنار طوبیا قرار می‌گیرد که سرانجام مرد جوان را به ازدواج و نجات خویش و سارا که از خویشاوندان وی است می‌کشاند. در بازگشت نیز به مدد رفائیل، طوبیا موفق به درمان پدر سالخورده خود می‌گردد و دو خانواده به سعادت دست می‌یابند. آنگاه رفائیل راز خود را آشکار کرده ناپدید می‌شود. داستان در جوی مشحون از سپاس و دورنمایی از نجات آینده پایان می‌یابد.

داستانی مردمی

در نظر اول، از این داستان چنین احساس می‌شود که به علت وفور شرح و بسط‌هایی که در جزئیات امور از لحاظ زمانی و مکانی و شخصیت‌ها از ادوار بزرگ تاریخ مشترک آشور و بنی اسرائیل بین سال‌های ۷۳۴ تا ۶۱۲ ق.م (۱؛ ۱۴) آمده سروکار آدمی با جریان‌های کاملاً تاریخی است. آن گونه که از

کتاب طوبیت یکی از شادترین ادبیات یهود است. داستانی است مردمی که هم متأثر از سنت‌های حکیمانه دنیای بی‌ایمانان و هم اثری تهذیبی و اخلاقی مشحون از روایات کتب مقدس است که با غنای تمام بر جوهر حیاتی و دینی یهودیت در قرون پس از تبعید شهادت می‌دهد.

محتوای کتاب

دو خانواده یهودی خویشاوند به ترتیب به دو شهر نینوا و اکباتان که امروزه در کشورهای عراق و ایران واقع اند تبعید شده‌اند. هر دو خانواده بدون آن که خطایی از آنان سرزده باشد سنجش و درایت، امانت و وفاداری خود را به تورات در بدبختی حفظ کرده‌اند. طوبیت رئیس خانواده اولی، پس از این که وضعیت مرفه و رو به ترقی خود را از دست می‌دهد، درحالی که به بهای جانش خطر کرده و یکی از هموطنان تبعیدی گمنام خود را دفن می‌کند بینایی خود را از دست می‌دهد. سارا تنها دختر خانواده دیگر، در تسخیر دیوی است که تا آن زمان هفت بار ازدواج وی را به شکست منجر ساخته و دامادها را در همان شب زفاف، یکی پس از دیگری به قتل رسانده است. خدا نیایش هر دو بینوا را می‌شنود و تصمیم می‌گیرد به وسیله فرشته خود رفائیل - یعنی «خدا شفا می‌دهد» - آنها را

همه چیز در وقت معین اتفاق می افتد و همین در مجموع جنبه های کمابیش داستانی بوجود می آورد از جمله: طوبیت هنوز فرصت یافتن بلد و همراهی برای پسر خود را به دست نیاورده که رفائیل حاضر و آماده بر در است (۴:۵): یا از همان ابتدای شامگاه سفر، داروهای لازم برای موفقیت، خود به خود با صید ماهی بزرگ فراهم می آید (۱:۶-۵). لذت قصه گویی و داستان سرایی را می توان در نزد نویسندگان به خوبی احساس کرد و کاملاً قابل پیش بینی است که شنوندگان و خوانندگان نیز کاملاً اشتیاق شنیدن و خواندن آن را دارند.

ریشه های کتاب طوبیت : سنت حکمت

به وضوح پیداست که نویسنده کتاب طوبیت در نگارش اثر خود به تاریخ اخیکار حکیم یا حکمت اخیکار نظر داشته که اثر ادبی بسیار معروفی در دنیای باستان بوده و دامنه تأثیر آن تا به یونان قدیم نیز کشیده شده بود به طوری که «ازوپ» حکیم یونانی در داستان های خود از آنها الهام گرفته بود. آیا این امر را باید رویدادی تصادفی دانست؟ قدیمی ترین نسخه حکمت اخیکار در جامعه یهودی نشین الفانتین در مصر مقارن قرن پنجم ق.م یافت شده است. احتمال دارد اخیکار شخصیتی تاریخی یا شاید از وزرای پادشاهان آشور چون سنحاریب و بعد اسرحدون (۲۲:۱، رک ۱۰:۲-۱۰) بوده باشد که موقعیتش کمابیش به افسانه گرایید. از آن جا که وی فرزندی نداشت تا در دیوان دولتی جانشین وی گردد، برادرزاده خود «نادآن» را به پسرخواندگی پذیرفت و وی را به حکمت و امثال و حکم بار آورد، اما این پسر، پس از آن

کتاب برمی آید، طوبیت و خانواده اش به همراه قبیله نفتالی تبعید شده بودند (۱:۱-۲). براساس کتاب دوم پادشاهان (۲۹:۱۵) واقعه تبعید حدود سال ۷۳۳ ق.م، هنگامی که پادشاه آشور قلمرو شمالی اسرائیل را برای سرکوبی شورش «قَفَح» پادشاه اسرائیل تصرف نمود، روی داد. اما از این اشاره صریح نباید دچار توهم شد. کمیت اطلاعات مذکور در داستان در برابر نقد و سنجش تاب مقاومت ندارد، زیرا کاملاً آشکار است که نویسنده از راه دور از پادشاهانی سخن می گوید که به درستی آنها را نمی شناسد (۲:۱ توضیح، ۱:۱۵ توضیح) و مناطقی را وصف می کند که در آنها به سیر و سفر نپرداخته است (۶:۵ توضیح). اگر نویسنده چارچوب داستان خود را در محیط دور دست و مورد تکریم قرون هشتم و هفتم ق.م قرار داده برای آن است که به داستان خود بعد واقعی داده آن را با اصالت جلوه دهد. در واقع، نویسنده داستان سرایی است که شیفته پرداختن به مناظر پراز احساس و انعکاس آنها در نوشته های خویش است، با شنیدن سخنان طوبیت وقتی زن گریان خود را در باره مسافرت پسرشان متقاعد می سازد (۱۷:۵-۲۳) یا وقتی سگی که به همراه صاحب جوانش رفته به همراه او باز می گردد (۱:۶، ۴:۱۱) یا هنگامی که مستخدمه نیمه شب، شمعدان به دست به اتاق زفاف دو همسر جوان وارد می شود (۸:۱۱-۱۴)، یا نگرانی پدر و مادر پیر از تأخیر در بازگشت پسرشان (۱۰:۱-۷) هرکس تجربه های زندگی خانوادگی خود را در آنها باز می یابد. جریان امور چون حلقه زنجیر یکی پس از دیگری بدون آن که با هم برخوردی ایجاد کنند روی می دهند و با هم پیوند می یابند و

تعلیمی برای یهودیان پراکنده

از خلال داستان طوبیت و طوبیبا، مهاجرانی که به عنوان نمونه ذکر شده اند، نویسندگان خطاب به برادران یهودی خود که به صورتی جدا و پراکنده در میان ملت‌ها زندگانی می‌کنند تعلیم دینی می‌دهد:

مشیت الهی و فرشتگان

از آنچه در این کتاب مطرح است به نظر نمی‌رسد که بیشتر توجه و دلسوزی خدا برای ایماندارانی باشد که در پریشانی روزگار می‌گذرانند (۱۷:۳)، بلکه روشی است که در میان تجربیات بر حسب تصادفات پی در پی، در جهت طرح از پیش تمهید شده رازی که تنها در پایان ماجرا آشکار می‌گردد در حال عمل است. مستجاب شدن طوبیبا و سارا از آسمان (۱۶:۳-۱۷) از یکسو و آشکار شدن رفائیل از سوی دیگر (۱۱:۱۲-۱۵) دو قطب این ماجراست.

مجریان مشیت الهی فرشتگان اند. کتاب طوبیت شاهی بر پیشرفت چنین ایمانی در دوران تبعید به ویژه تحت تأثیر اندیشه‌های ایرانی است. در این زمان به فرشتگان متعددی معتقد بودند که برای انجام امور گوناگون نامگذاری و منصوب می‌شدند. در هیچ جای دیگری از کتاب عهد عتیق دیده نمی‌شود که فرشتگان این چنین به شکل و شمایل بشری درآمده باشند به طوری که عمل الهی به صورت تحمیلی بر آزادی بشر جلوه نکند.

قواعد رفتار

پند و اندرزهایی که طوبیت به پسر خود می‌دهد (۳:۴-۲۱، ۸:۱۴-۱۱) یکی از کلیدهای درک این کتاب است. دستورات برگرفته از حکمت اخیکار با دستورهای این

که در امور با پدر خوانده خود مشارکت یافت (۱۹:۱۱) روی از حکمت برتافت و با توطئه، پدر خوانده نیکوکار خود را به سوی شکنجه‌گاه کشانید. اخیکار که از راه حکمت و دانش دوستانی برای خود اندوخته بود توانست از کید زمانه برهد و سرانجام در حالی که به قدرت سابق خود بازگشته بود، سرزنش‌ها و توبیخ‌هایی به صورت ضرب‌المثل و پند و امثال خطاب به برادرزاده خود نوشت و سرانجام وی را به زندان افکند که در آنجا درگذشت (۱۰:۱۴).

در کتاب طوبیت، این اخیکار مشهور، به صورت برادرزاده اصلی طوبیت ظاهر می‌شود (۲۲:۱) تا حیثیت و اعتبار برادرزاده را بر عمو و قومش مزید کند. افزوده بر این، به نظر می‌رسد حتی ساختار داستان طوبیت از داستان حکمت اخیکار تقلید شده باشد. طوبیت به مانند اخیکار، اول دوران التفات و بعد دوران کم‌لطفی پادشاه آشور را از سر گذرانده است (۱۳:۱-۲۰) و مانند وی دو مجموعه پند و امثال خطاب به پسرش ایراد می‌کند (۳:۴-۱۹، ۸:۱۴-۱۱) و به نظر می‌رسد برخی از آنها را از اخیکار به عاریت گرفته است (۴:۱۰، ۱۵، ۱۷، ۱۹). اما در آنجا که نادآن خیانت ورزیده طوبیبا جوان خود را به حکمتی که دریافت داشته وفادار نشان می‌دهد. آیا این خود شیوه‌ای برای تلقین این طرز فکر نبوده است که حکمتی که طوبیت سالخورده تعلیم می‌دهد به مراتب از حکمت اخیکار برتر است؟ به هر حال، این امر مؤید سبک ادبی این کتاب است که می‌توان آن را داستانی مردمی نامید؛ در این امر تردیدی نیست اما یقیناً هدفی تہذیبی، اخلاقی و حکیمانه در آن نهفته است.

اثبات این امر به اعمالی است که توأم با رعایت دقیق و موشکافانه تورات و تجدید نظر در روایات سینه به سینه انجام می‌پذیرد (۸:۱ توضیح)، همان نکته‌ای که بعدها در غیرت فریسیان نمود می‌یابد (۸:۱ توضیح، ۳:۱۵ توضیح). دوری از معبد و اجرای مراسم عبادت منجر به تأکید درباره وظایف شخصی و خصوصی نسبت به خدا و هم‌نوع می‌گردد. هم‌نوع طوبیت هنوز هم محدود به خانواده خود و برادران هم‌نژاد خویش است (۳:۱، ۱۶، ۱۷:۲؛ ۲:۲...۲). هیچ برادر یهودی نباید از خدماتی که در خانواده واقعی ارائه می‌شود، غفلت کند از جمله: تعاون (۱۷:۱؛ ۲:۲، ۱۰؛ ۱۶:۴)، پاداش عادلانه (۱۴:۴؛ ۵:۳، ۷، ۱۰، ۱۵؛ ۱۲:۱)، خاکسپاری (۱۷:۱-۱۸؛ ۲:۳-۸) اما صدقه و دعا برتر و مقدم بر همه فرایض دیگر است. صدقه وسیله انسجام جامعه (۱:۱۶؛ ۴:۷-۸، ۱۶؛ ۱۴:۸-۹) و تضمین مهربانی و خیرخواهی خداست. خیرخواهی شامل حال کسانی است که گویی گنجی در آسمان اندوخته‌اند یا توبه و قربانی‌ای کرده‌اند که مورد قبول خداوند است (۴:۹-۱۱؛ ۱۴:۸-۱۱). نیایش، توسل طبیعی مرد خیر است که همه چیز را در راه وفاداری به خدا نهاده است. این امر به صورت اجرای برخی اعمال ظاهری نیست، بلکه اعمالی است که به صورت همیشگی مورد قبول خدا باشد (۴:۱۹). در شرایط مختلف ناامیدی (۳:۱-۶، ۱۱-۱۵)، ناراحتی (۸:۵-۸) و شادی (۸:۱۵-۱۷؛ ۱۴:۱۱) نیایش باعث مداومت برکت خدا (۳:۱۱ توضیح) و سپاسگزاری است زیرا مرد درستکار و خیر که همه اعمالش درست است، راهش راه وفاداری و راستی است (۲:۳).

حکمت برتر که تورات موسی است درهم می‌آمیزد. محتوای آن بیدارکننده ذهن و فکر است و کلیه اصولی که یهودیان را در سرزمین بیگانه وامی‌دارد تا هویت خود را نگاه داشته و آن عادل باقی بمانند که خدا یار و مددکار وی است، در این کتاب نوشته شده است. کمتر سفارش و توصیه‌ای از این وصیت روحانی (۴:۳ توضیح، ۱۴:۳ توضیح) در کتاب طوبیت هست که به صورت برجسته‌تر در برخی دیگر از عوامل مهم این ماجرا دیده نشود.

خانواده و ازدواج

خانواده هسته جایگزین ناپذیری است که میراث روحانی قوم در آن منتقل می‌شود. (۱:۸؛ ۴:۱۹؛ ۱۴:۳، ۸-۹). تأکید بر کلیه فضیلت‌هایی که می‌توانند باعث انسجام و به ویژه احترام والدین شوند از همین جا سرچشمه می‌گیرد (۱:۸؛ ۳:۱۰-۱۵؛ ۴:۳-۴؛ ۶:۱۵؛ ۱۴:۱۲-۱۳). یکی از لحظات حساس در زندگانی خانواده ازدواج است. و آنجاست که گذر نسلی به نسل دیگر که مالک آینده است به وقوع می‌پیوندد. زیرا برای جامعه یهود در تبعید، خطر ازدواج مختلط یهودی با غیریهودی بسیار زیاد بود. اینجاست که باید درک کرد چرا در مرکز اندرزه‌های طوبیت به پسرش آن همه به امر ازدواج اهمیت داده می‌شود (۴:۱۲-۱۳). همچنان که همین مطلب در مرکز کتاب طوبیت نیز مکرر آمده (۶-۸) و سرانجام به ازدواجی طبق اراده خدا می‌انجامد.

اعمال نیکو

آنچه را خانواده از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌سازد وفاداری به خدا و احکام اوست. وفاداری نسبت به خدا در رده نخست است (۱:۱۲؛ ۲:۲؛ ۴:۵؛ ۱۴:۸-۹) اما

یادآوری از زندگانی پدران قوم

فضای حاکم بر کتاب طوبیت، فضای دوران پدران قوم است: طوبیا در طی سفری با همسر آینده خود آشنا می شود همان گونه که در گذشته اسحاق و یعقوب با رفقه و لیه همسرانشان برخورد کرده بودند. طوبیا ناپدید و از دید پدر و مادر دور می شود، به مانند یوسف که از دید یعقوب ناپدید گشت. سارا به مانند همسران پدران قوم، هر چند به خاطر دلایلی دیگر، به نظر می رسد پذیرفته بود که بدون فرزند بماند. طوبیت با فرشته ای که به صورت انسان درآمده بود دیدار می کند همان گونه که فرشته خدا از ابراهیم در بلوطستان ممری دیدار نمود.

وجه مقایسه محدود به اوضاع و احوال روایت نیست بلکه با مضامین داستان نیز پیش می رود. شرح تفصیل و جزئیاتی که ایجاد خلل نمی کند، کمابیش کلمه به کلمه از کتاب پیدایش اقتباس شده است: ملاقات (۴-۳:۷ و پید ۲۹:۴-۶)؛ ظهور عشق (۱۹:۶ و پید ۲۴:۶۷)، عقد ازدواج (۱۲:۷-۱۳ و پید ۲۴:۳۳، ۵۰-۵۱)...

آوارگی پدران قوم، در آوارگی و سرگردانی تبعیدیان مداومت می یابد (رک ۱۲:۴). مشیت خدا، نامریی و خاموش، بر کوچکترین فرد یهودی ناظر است، همان گونه که با فراهم آوردن دیدارها، با مداومت رهایی ها و ازدواج ها ناظر بر اجداد و گذشتگان بوده است. بدین ترتیب، وعده از نسلی به نسلی منتقل می گردد تا آن که سر انجام روز بازگشت به «سرزمین ابراهیم» (۷:۱۴) فرارسد.

بود، در پشت سروی، با یادآوری از پژواک نبوت ناتان، یادبود پرسوز و گداز اورشلیم و پادشاهش به گوش می رسد (۴:۱)، ر. ک ۵:۱۴). بدبختی هایی که در تعاون و همپاری با برادرانش متحمل می شود در حکم جزا و عقوبتی است که عاموس نبی به اسرائیل خطا کار اعلام داشته بود (۶:۲). درهای آینده، دمی چند فرو بسته می نماید و این وسوسه به آدمی دست می دهد که برای نابینایی طوبیت ارزشی نمادین قتل گردد و سپس طوبیا پسری که راه آباء و اجدادی را ادامه می دهد فرا می رسد. خدا چشمان نابینای روحانی و جسمانی را باهم می گشاید زیرا طوبیت خود در حکم نبی است چه همه قوم را دعوت می کند که به سوی خدا بازگشت کنند و نجات معهود از سوی انبیا را اعلام می دارد (۱۳). وقتی نبوت های ناحوم نبی درباره ویرانی نینوا به تحقق رسد، معبد موقتاً بازسازی خواهد شد تا آن که زمان سر آید. آنگاه همه به سرزمین موعود رو خواهند آورد. اورشلیم در شکوهی بی همتا دوباره ساخته خواهد شد. در این رویای نورانی که لحن آن شبیه لحن اشعیا نبی در باب های ۶۰-۶۲ است اورشلیم مرکز و مهد ملل خواهد شد (۱۳:۱۰-۱۸؛ ۱۴:۳-۷).

بر این زمینه الهام گرفته از پدران قوم و انبیاست که وفاداری روزمره به حکمت موسی و قدما حائز معنایی نوین می گردد که همانا آمادگی برای بازگشت به سرزمین ابراهیم درست از همان راهی است که گذشتگان توانستند به سرزمین موعود وارد شوند.

متن و زبان اصلی کتاب

متن کتاب طوبیت تنها به صورت ترجمه و تحت اشکال کاملاً متفاوت به دست ما رسیده است:

در پرتو انبیا

طوبیت سرنوشت خود و برادران تبعیدیش را در پرتو نوشته های انبیا به کرات خوانده

کتاب در دست داریم نیز اشاره ای شود زیرا متنی است که طبق سنت کلیسای لاتین از قرن پنجم به بعد مورد استفاده بوده و کاتولیک ها هنوز هم آن را در آیین های نیایشی به کار می برند. این همان متن معروف به ولگات به زبان لاتین می باشد که می دانیم اثر ژروم قدیس است و از روی متن آرامی آن با شتاب زدگی ترجمه و تهیه شده است که درباره شخصیت ریاضت پیشه مترجم و هم درک و استنباط وی از ازدواج همان قدر ما را آگاه می گرداند که درباره سایه روشن های متن اصلی.

آنچه درباره متن اصلی باید گفت این است که بررسی سبک سامی متن طولانی می تواند به اولویت و برتری متن آرامی شهادت دهد. اما فرض وجود یک نسخه اصلی به زبان عبری را نیز نباید از مد نظر دور داشت.

تاریخ نگارش

باعقاید مذهبی مندرج در این کتاب و با اشاره به انبیای متأخر، محققاً تاریخ نگارش را باید مربوط به بعد از دوران تبعید دانست. با کنار هم قرار دادن آنچه از موارد مشابه در کتاب عیسی بن سیراخ که مقارن سال ۱۹۰ ق.م نوشته شده با ایمان و آرمان ها و پرهیزکاری و تقوایی که زبانزد فریسی ها بوده به این نتیجه می توان رسید که تاریخ نگارش آن مقارن ۲۰۰ ق.م بوده است.

۱- متنی طولانی با دست نوشته یونانی قرن چهارم میلادی معروف به سینائیتیکوس (Sinaiticus) که با اقتباسی بسیار وفادارانه به زبان لاتین قدیم مقدم بر متن ولگات ژروم قدیس ضبط شده است. این متن مطول دارای لحنی سامی و گاه غلیظ اما بسیار با آب و رنگ و هماهنگی است. بخش هایی از کتاب طوبیت که در نوشته های غار قمران کشف شده (یکی به زبان عبری و چهار متن دیگر به زبان آرامی) جزو پشتوانه های این کتاب محسوب می شود و امروز نظریه غالب آن است که نزدیکترین متن به نسخه اصلی گم شده است و اکنون برای ترجمه، اغلب از این نسخه استفاده می شود.

۲- متنی مختصر که به صورت دست نوشته های یونانی بسیاری معرفی شده است. به نظر می رسد این نسخه تجدید نظری از روی متن نخستین است که هدفش معرفی این کتاب به زبان یونانی سلیس تر و با متنی مختصرتر، واضح تر و به دور از شرح و بسط های مفصل فرعی بوده است. این متن در کلیساهای یونانی و در برخی از ترجمه های جدید مورد استفاده قرار گرفته و برای همین است که مواردی را که موضوعی جدید را که کمابیش مهم بوده و از متن طوبیت دور شده تذکر داده ایم. همچنین نسبت به تکمیل دو مورد از قلم افتادگی آشکار از متن طولانی در باب های ۴ و ۱۳ نیز اقدام کرده ایم.

۳- بجاست به آخرین شکلی که از این

کتاب طوبیت

سرآغاز

تبعید آمده اند بسیار صدقه داده ام.
۴ وقتی در کشور خویش، سرزمین اسرائیل بودم، وقتی که هنوز جوان بودم همه قبیله جدم نفتالی، خانه داود جدم را ترک کرده بودند، همچنان که اورشلیم^g، شهری که از میان همه قبایل اسرائیل به نث^{۱۲:۵، ۱۱} منزله جایگاه قربانی برای همه قبایل اسرائیل برگزیده شده است؛ در این جا است که معبدی که خدا ساکن آن می باشد ۵:۱۴ تقدیس گردیده و برای همه نسل ها تا به ابد بنا شده است. ۵ همه برادرانم و خاندان جدم نفتالی، برای گوساله ای که یربعام، پادشاه اسرائیل در «دان»^h ساخته بود و ۱-۱۲:۳۳-۴۶ نیز بر بالای همه کوه های جلیل قربانی می کردند. ۶ و من به تنهایی اغلب برای

۱ کتاب اعمال طوبیت^a، پسر طوبئیل، پسر حنئیل، پسر عدوئیل، پسر جعیل، پسر رفائیل، پسر رعوئیل^b از تبار عسائیل، از قبیله نفتالی، که در روزگار شلم نصر^c، پادشاه آشوریان از «تشی» در جنوب قادش نفتالی در جلیل علیا، بالاتر از حاصور، در فرورفتگی رو به مغرب، در شمال فغور^d تبعید گردید.

زندگی پرهیزکارانه طوبیت

نث^{۱۲:۱۰}: ۱۲:۱۰
۹:۱۹: ۹:۲۸
مز^{۱۱:۸۶}: ۱۱:۸۶
۳۰:۱۱۹

۳ من^e طوبیت، در راه های راست قدم برداشته ام و همه عمر خویش را به عدالت^f پرداخته ام؛ به برادران خویش و به قوم خود که با من به سرزمین آشوریان در نینوا به

a. در زبان یونانی Tobit طوبی نام پدر است و از نام پسر طوبیا Tobias متفاوت است گاه نام طوبی که به هر دو داده شده علی رغم تناقض آن ناشی از زبان لاتین است.

b. در متون کوتاه شده، پسر رفائیل پسر رعوئیل^f می گردد درباره مقابله دو نسخه کوتاه و بلند کتاب طوبی ر.ک. به پیشگفتار
c. تحت اللفظی: «انماسر» Enemasser. به هر تقدیر شلم نصر پنجم معروف نیست (۷۲۲-۷۲۶) که قبیله نفتالی را به آشور تبعید کرد. بلکه سلف وی تغلت فلاسر سوم (۷۲۷-۷۴۵) است. درباره چارچوب تاریخی روایت ر.ک. به پیشگفتار.
d. در متن کوتاه شده واژه «فرورفتگی» حذف گردیده است... فغور. نام و نشان آنها روشن نیست و دست نوشته ها به طور قابل ملاحظه ای نام های جغرافیایی را تغییر شکل داده اند. منطقه «تشی» متفاوت از موطن ایلیا نبی است (ر.ک. ۱-۱۷:۱۰).
e. تا ۳:۶ روایت از دهان طوبی بازگو می گردد.

f. تحت اللفظی اعمال نیکو. طوبی از سنخ آن یهودیان ایماندار است که شریعت تورات را مرعی می دارد و به ویژه حکم مذکور در کتاب تثنیه؛ تقوا و پرهیزکاری وی دارای لحن جامعه یهود مهاجرنشین Diaspora است و به ویژه نگران است تا از ازدواج های مختلط با افراد و نژادهای دیگر احتراز به عمل آید (ر.ک. بد ۹) و از خوردن غذاهای مشرکان پرهیزد (آیه های ۱۰-۱۱)، صدقه داده (آیه های ۱۶-۱۷) و نسبت به خاکسپاری اموات اقدام کند (آیه های ۱۷-۱۸).

g. در برخی نسخه ها پس از داود عبادت «جدمن» حذف گردیده است. در متن کوتاه: خانه... را ترک کرده بودند (یعنی معبد را) معبد اورشلیم.

h. به نسخه دیگر متن کوتاه برای آیه ۵: همه قبایلی که ارتداد پیشه کرده بودند به پای بعل، گاو ماده قربانی می کردند حتی قبیله نفتالی جد من.

طوبیا نهادم.

^{۱۰} پس از تبعید شدنم به سرزمین آشوریان، همین که تبعید شدم، به نینوا رفتم. همه برادران من و هم نژادانم از غذاهای ملت‌ها می‌خوردند. ^{۱۱} اما من از خوردن غذاهای ملت‌هاⁿ خودداری کردم.

^{۱۲} و به این خاطر که از ته دل به یاد خدا

بودم، ^{۱۳} قادر متعال مرا در برابر شلم نصر^o

فیض و عنایت داد و من آنچه را وی به آنها

نیاز داشت برایش می‌خریدم. ^{۱۴} تا روز

مرگش به ماد رفته و برایش خرید می‌کردم

و نزد جعیل، برادر غابیلوس، در سرزمین

ماد، کیسه‌هایی محتوی ده تالان^p نقره

سپردم. ^{۱۵} وقتی پس از مرگ شلم نصر،

سنحاریب، پسرش به جای وی^q به سلطنت

رسید راه‌های ماد بسته شد و دیگر برایم

رفتن به ماد امکان نداشت.

^{۱۶} در روزگار شلم نصر به برادران هم نژاد

خود، صدقه بسیار دادم؛ ^{۱۷} نان خود را به

کسانی که گرسنه بودند می‌دادم و لباس‌هایم

را به کسانی که برهنه بودند و اگر کسی از

ملت خود را می‌دیدم که بیرون از حصار

اعیاد، آنچنان که برای همه اسرائیل

به صورت شریعتی دائمی نوشته شده است

به اورشلیم می‌رفتم. با نوبرها،

نخست‌زادگان، عشریه دام‌ها و اولین پشم

چیده‌گوسفندان، به سوی اورشلیم

می‌شتافتم. ^۷ آنها را به کاهنان، به پسران

هارون، برای قربانگاه می‌دادم و عشریه

گندم، شراب و روغن، انارها، انجیرها

و دیگر میوه‌ها را به پسران لوی که برپا

کننده مراسم در اورشلیم بودند می‌دادم.

شش سال متوالی عشریه دوم را به پولⁱ

برداشت کرده و هر سال برای خرج آن به

اورشلیم می‌رفتم. ^۸ آن‌را به یتیمان،

بیوه‌ها و به نوگروندگان^j که به

بنی اسرائیل پیوسته بودند می‌دادم و به سال

سوم آن را برده و به آنها می‌دادم و برابر

شریعت تورات موسی^k در مورد آنان و طبق

فرمان «دبوره»^l، مادر حننئیل» پدر ما،

زیرا پدرم در گذشته^m و مرا یتیم باقی

گذاشته بود آنها را تناول می‌کردیم. ^۹ وقتی

مردی شدم، از تبار خود همسری گرفتم و

وی فرزندی به دنیا آورد که من نام وی را

تث ۱۶:۱۶، ۲۳-۲۲:۱۴
اعد ۱۲، ۸:۱۸، ۴-۳:۱۸

اعد ۱:۱۸
تث ۲۷:۱۴، ۲۴:۲۱

تث ۲۶-۲۴:۱۴

تث ۲۹-۲۸:۱۴

۱۲-۱۳:۴
۱۶:۶
پید ۳۸، ۴:۲۴
۲:۲۸

۱. در برخی نسخ با توجه به متن کوتاه در این جا عبارت شش سال حذف می‌گردد.

۲. سومین. اصلاح برابر متن کوتاه.

۳. پرداخت سه عشریه مأخذ از قواعد کتاب تثنیه ۱۴-۲۲-۲۹ است. به دنبال افزایش مبلغ در رعایت فریضه صدقه به پول نقره که امری اختیاری بود در این جا امری اجباری آورده شده است.

۴. در این تعلیم خانوادگی (ر.ک. ۴:۱۹؛ ۶:۱۶؛ ۸-۹:۱۴) می‌توان هم طریق انتقال تورات (ر.ک. تث ۱۱:۱۹) و هم سرمنشأ یک سنت تکمیلی را مشاهده کرد. (ر.ک. ار ۳۵:۶-۱۰؛ مت ۱۵:۲ و ادامه).

۵. متن کوتاه به روایت دیگر در مورد آیه ۸: سومین را به کسی که برابر تعالیم دبوره مادر پدرم حق داشت می‌دادم...

۶. منظور غذاهای آماده شده بدون مراعات مقررات شرعی (ر.ک. پید ۹:۴؛ لاو ۱۱؛ تث ۱۴:۳-۲۱) است. مراعات موارد حرام بودن خوراکی یکی از مبانی ایمان در بین یهود می‌باشد، به ویژه پس از دوران تبعید (استر. متن یونانی: ۲۸؛ دان ۱:۸؛ یهودیه ۲:۱۲)

۷. تحت اللفظی به دیدگان شلم نصر مرا فیض و جمال عطا فرمود

۸. ده تالان: در حدود ۳۵۰ کیلوگرم (یا ۲۶۰ کیلوگرم در صورتی که منظور تالان پول یونانی باشد ر.ک. ۲-مک ۱۱:۳ توضیح)

۹. جانشین شلم نصر در واقع سارگن دوم بود (۷۰۵-۷۲۷) سلف واقعی سنحاریب (۶۸۱-۷۰۴).

بر تمام امور اداری قدرت یافت. ۲۲ آنگاه اخیکار، به نفع من، مداخله کرد و من به نینوا بازگشتم. اخیکار در واقع ساقی اعظم، مهرداد سلطنتی و رئیس امور اداری و مالی به روزگار سنحاریب پادشاه آشوریان بود و اسرحدون اختیارات او را تجدید کرد. وی برادرزاده من و از خویشان^v من بود.

طوبیت در امتحان

۱ در روزگار اسرحدون پادشاه، به ۲ خانه خویش بازآمدم و همسر من حنا و پسر من طوبیا به من باز پس داده شدند. در عید پنجاهه^w ما که عید مقدس هفت هفته^w است، ناهاری لذیذ برایم فراهم آوردند و من برای صرف آن نشستم. ۲ برایم سفره انداختند و برایم خوراکی های فراوان آوردند. من به طوبیا پسر من گفتم: «فرزندم برو و اگر در بین برادران تبعیدی ما در نینوا قبری چند یافتی که از ته دل به یاد خداوند^x هستند آنان را به همراه خود بیاور تا با من غذا صرف کنند. متوجه باش که تا

نینوا مرده و به خواب فرورفته است به خاک می سپردم. ۱۸^r پس از بازگشت او از یهودیه که به آنجا گریخته بود، در روزهای داوری، که پادشاه آسمان به خاطر کفرهایی که به زبان رانده شده بود بر سنحاریب سخت گرفته بود، اگر او کسی را می کشت، من آنها را به خاک می سپردم. ۱۹ اما یکی از ساکنان نینوا به پادشاه فاش کرد آن کس که مردگان را به خاک می سپارد من هستم و من خود را مخفی کردم. وقتی اطلاع یافتم که پادشاه درباره من مطلع شده است و برای آن که مرا بکشد به دنبال من است، ترسیدم و پنهانی فرار کردم. ۲۰ تمام اموال من ضبط شد و چیزی برایم باقی نماند که برای خزانه پادشاهی برگرفته نشده باشد مگر حنا همسر من و طوبیا پسر من. ۲۱ اما چهل روز^s نگذشته بود که دو پسر پادشاه او را کشتند و به کوه های آرات گریختند و پسرش اسرحدون^t پس از وی به سلطنت رسید. و وی اخیکار^u، پسر بردارم آنائیل را بردارایی های سرزمین خویش گماشت و وی

۲-پاد: ۱۹؛
۳۵-۳۶؛
اش: ۳۷؛
۳۶-۳۷؛
توا: ۳۲؛ ۲۱

۲-پاد: ۱۹؛ ۳۷؛
اش: ۳۷؛ ۳۸؛
توا: ۳۲؛ ۲۱

خروج: ۳۴؛ ۲۲؛
تث: ۱۶؛ ۱۰

f. بدون خاکسپاری رها شدن میت از بدترین لعن و نفرین ها بود (ر.ک. تث: ۲۱-۲۲-۲۳؛ ۱-پاد: ۱۴؛ ۱۱؛ ۴؛ ۱۶؛ ۱۹؛ ۲۲؛ ۲۵؛ ۳۳؛ حرق: ۲۹؛ ۵) لذا خاکسپاری مردگان امری مقدس محسوب می گردید (ر.ک. ۲-سمو: ۲؛ ۵؛ بنسی: ۷؛ ۳۳؛ ۱۶؛ ۳۸) این چنین تقوا و پرهیزکاری در کتاب طوبیت از جایگاه رفیعی بهره مند است چه متوفی جزو همکیشان عادی و ساده باشد (۱-۱۷؛ ۱۸؛ ۴؛ ۲؛ ۷؛ ۱۲؛ ۱۳-۱۲) یا از خویشان نزدیک (۴-۳؛ ۴؛ ۸؛ ۱۰-۱۲؛ ۱۴؛ ۲؛ ۱۱-۱۳)

s. در متن کوتاه پنجاه (۵۰) روز.

t. تحت اللفظی ساخردون که باید همان اسرحدون باشد (۶۶۹-۶۸۰).

u. این شخصیت که بارها نام وی در کتاب طوبیت آورده می شود (۱-۲۱-۲۲؛ ۲؛ ۱۰؛ ۱۱؛ ۱۹؛ ۱۴؛ ۱۰) مأخوذ از یک داستان بسیار کهن شرقی به نام حکمت احیقر است که وزیر نیمه افسانه ای پادشاهان آشور بوده، وی از زمره مردان آگاه و منبع امثال و حکم بوده است با به میان آوردن وی چون برادرزاده طوبی، نویسنده یکی از جریان های عوامی بسیار مشهور را به خود نسبت می دهد ر.ک. به پیشگفتار.

v. این جمله معترضه در متن از آن رو است که چرا این همه قدرت به احیقر سپرده شده و به چه دلیل توانسته از حق طوبی دفاع کند.

w. متن بلند: عید مقدس هفته ها (TOB)

x. در متن Osty=وی موض با حرف بزرگ آمده است. در متن TOB خداوند آمده که برابر متن کوتاه افزوده گردیده است. [ما هم در ترجمه فارسی از ترجمه اخیر پیروی کردیم].

- بازگشت تو منتظر خواهم ماند.»^۳ طوبیا رفت تا فقیری از میان برادران ما یابد، در بازگشت گفت: « پدر!» من به وی گفتم: «اینجا هستم، فرزندم.» وی در جواب من گفت: «کسی از قوم ما هست که کشته شده و در خیابان افتاده و هم در آنجا خفه گردیده است.»^۴ از جا جهیدم و غذا را پیش از آن که مزه کنم رها کرده، آن مرد را از خیابان برداشته وی را در یکی از حجره‌ها در انتظار غروب خورشید جای دادم تا وی را به خاک بسپارم.^۵ در بازگشت، استحمام^۶ کرده نان خویش را در ماتم خوردم.^۶ سخن نبی، آنچه را عاموس^a درباره بیت ثیل گفته بود به یاد آوردم: ۱۰:۸۰ «اعیاد شما به ماتم بدل خواهد شد، و همه غزل^b هایتان به مویه»؛ و من گریستم.^۷ سپس چون خورشید غروب کرد رفتم و گودالی حفر کرده مرده را به خاک سپردم.^۸ همسایگانم به تمسخر می گفتند: «دیگر نمی ترسد! سابقاً به دنبالش بودند تا برای این کار وی را به
- قتل برسانند و وی در پنهان می گریخت و اینک باز مردگان را به خاک می سپارد!»^۹ همان شب، استحمام کرده به حیاط خود^{۱۰} رفتم و کنار دیوار حیاط^c خوابیدم و چون هوا گرم بود چهره ام را باز نگاه داشتم.^{۱۰} نمی دانستم که بالای دیوار گنجشکان لانه کرده اند، فضله آنها گرم گرم بر روی چشمانم افتاد و چشم سفیدی^d آورد. نزد پزشکان رفتم تا مرا درمان کنند، اما هر قدر مرا مرهم بیشتر می نهادند، سفیدی^{۱۱} چشم مرا بیشتر کور^e می کرد و سرانجام بینایی خود را از دست دادم. چهار سال محروم از چشمانم ماندم. همه برادرانم درباره من غمگین شده بودند و اخیکار به ۱۹:۱۱ مدت دو سال تا هنگام عزیمتتش به «عیلام»^f مرا نان داد.
- ^{۱۱} در این هنگام، حنا همسرم زنانه دوزی می کرد،^{۱۲} و آنها را در اختیار مشتریانش^g قرار می داد و آنان حق وی را ادا می کردند. آنگاه به (ماه) هفتم «دستروس»^h یک قطعهⁱ را تمام کرد و در
- y- یعنی تا روز بعد (آغاز روز نزد یهودیان از غروب است) برای آن که جشن هفته‌ها، بی حرمت نگردد (لاو ۲۳:۲۱).
 z- تطهیر شرعی پس از تماس با جسد (ر.ک. اعد ۱۱:۱۹-۱۳) همچنین در آیه ۹.
 a- یهودیان ایماندار پس از دوران تبعید با علاقمندی بیشتر به سخنان پیامبران گذشته توجه می کردند: ر.ک. دان ۹:۲؛ اش ۱۶:۳۴؛ حزق ۱۷:۳۸؛ زک ۷:۷؛ طوبیت ۱۴:۴.
 b- در برخی از نسخ به جای غزل، راه آمده است. تردید نیست که این خط ناشی از تشابه دو واژه یونانی *odoi* و *odai* است. در متن کوتاه میهمانی آمده است که تأکید بیشتری بر تفهیم مطلب دارد.
 c- متن کوتاه اشاره به استحمام دوم طوبیت ندارد و برعکس اشاره دارد که طوبیت همچنان «نجس» می‌خسبد شاید این امر برای توجیه، حادثه‌ای است که برای او رخ می‌دهد.
 d- سفیدی چشم یا چشم سفیدی آورد، منظور لکه سفیدی روی قرنیه شفاف چشم است که ممکن است به کوری بیانجامد.
 e- متن ولگات در این جا طوبیت را بسیار به ایوب مشابه می‌گرداند، به ویژه که می‌افزاید: خداوند اجازه فرمود که این تجربه بر سرش بیاید تا صبر وی منالی برای آیندگان مانند ایوب قدیس گردد ر.ک. ۱۴:۲۱.
 f- از استان‌های سرزمین پارس (ر.ک. ۱- مک ۶:۱؛ یهودیه ۶:۱) در کتاب طوبیت تصریحی مبنی بر این مسافرت ذکر نشده است.
 g- تحت اللفظی: صاحبان کار یعنی کسانی که سفارش کار را داده‌اند. ما مشتری ترجمه کرده‌ایم.
 h- نام مقدونی ماه نیسان (نیمه دوم اسفند و اول فروردین) که مقارن فرا رسیدن جشن گذر است همان‌طور که از قسمت پایانی آیه نیز چنین استنباط می‌گردد.
 i- تحت اللفظی رشته را برید (بر روی کار ریسندگی).

بنگر،
 مرا برای گناهانم
 و نه برای گمراهی های خودم و پدرانم مز ۸:۷۹
 عقوبت مکن،
 آنها در برابر تو گناه کرده اند،
 ۴ از احکام تو نافرمانی نموده اند^m،
 و تو ما را به غارت، اسارت، مرگ عز ۷:۹
 و تمسخر و ریشخند و توهین در میان
 همه ملل
 که ما را در میان آنها پراکنده ای
 سپرده ای.
 ۵ و اینک تو داوری های بسیار و برحق
 داری
 تا علیه من به خاطر گناهانم به کار بندی
 زیرا ما احکام ترا اجرا نکرده
 و نه با صداقت در پیشگاهت گام
 برداشته ایم.ⁿ

اینک با من آن کن که تو را خوشایند
 است،
 فرمان ده نفسم را بگیرند
 تا از روی زمین محو و تبدیل به خاک شوم
 زیرا مرگ برایم بهتر از زیستن است
 زیرا دشنام های ناروا شنیده ام
 و در اندوهی بزرگ به سر می برم.
 خداوندا، فرمان ده تا از این اندوه رهایی
 یابم،

اعد ۱۵:۱۱
 یاد ۴:۱۹
 ۱۳:۳
 پید ۱۹:۳
 جا ۷:۱۲
 یون ۸:۳

اختیار مشتریانش قرار داد. آنان تمام حق
 وی را ادا کردند و بزغاله ای جهت خوراک
 به وی دادند. ۱۳ وقتی نزد آمد بزغاله
 شروع به فریاد کرد. زخم را فراخوانده وی را
 گفتم: «این بزغاله از کجاست؟ مبادا
 دزدیده شده باشد؟ آن را به مالکشان پس
 بده. ما حق نداریم مال دزدی را هرچه باشد
 بخوریم.» ۱۴ همسر من گفت: «این
 هدیه ای است که علاوه بر حقم به من
 داده اند!» من باور نکردم و به وی دستور
 دادم بزغاله را به صاحبانشان پس بدهد و
 ایوب ۹:۲ بر او غضبناک شدم. آنگاه همسر من مرا در
 جواب گفت: «پس صدقات تو کجاست؟
 ۳:۱ پس کارهای عادلانه تو به کجا رفته است؟
 هرچه به سرت می آید روشن است.»

نیایش طوبیت

۳^۱ من که روحم به شدت اندوهگین
 شده بود به ناله در آمده اشک هایم
 سرازیر شد و با ناله آغاز به نیایش^k کردم:
 ۲ «خداوندا، تو عادل^۱،
 همه اعمال تو عدالت
 و همه طریق های تو وفاداری و امانت
 است.
 آن کس که بر جهان داوری می کند تویی.
 ۳ و اکنون تو ای خداوند، مرا به یاد آور و

دان (یونانی)
 ۳:۲۷-۳۲
 بار ۱۵:۱-۲
 مز ۱۱۹:۱۳۷
 نج ۳۳:۹
 مرگ ۱۰:۲

۱- جنا در این جا درست در نقش زن ایوب است زیرا امثال او، بر این گمان است که شویش رانده، مطرود و ملعونی بیش نیست و دیگر ثباتی در ادامه پرهیزکاری و تقوای خود ندارد.

k- نیایش ها جای مهمی در کتاب طوبیت دارند دو استغاثه طوبیت (۳:۲-۶) و سارا (۳:۱۱-۱۵) که به موازات هم ادا می گردد و دوباره از سوی طوبیت از سر گرفته می شود (۸:۵-۷)، آغازگر اقدام برانگیزاننده مداخله رفائیل است. مستجاب گردیدن آنها منجر به شکرگزاری رعوثیل (۸:۱۵-۱۷) و طوبیت می گردد.

l- تأکید بر عدالت خدا و اعتراف به گناهان حال و گذشته قوم در دوران پس از تبعید بسیار رسم بوده است: ر.ک. دانیال (یونانی ۳:۲۶-۴۵؛ دان ۹:۴-۱۹؛ عز ۶:۹-۱۵؛ نج ۵:۳۷-۵؛ بار ۱۵:۳-۸)

m- متن بلند من بی اطاعتی کرده ام از روی متن کوتاه تصحیح به عمل می آید.

n- در متن TOB آمده است: و گناهان پدرانم: که از روی متن کوتاه افزوده گردیده است.

مرا به جایگاه ابدی بفرست
و خداوندا چهره ات را از من نگردان.
ایوب:۷ ۱۵ زیرا مرگ برایم بهتر از دیدن این همه
بدبختی در زندگانی است
۱۳،۱۰:۳ تا دیگر دشنام هم نشنوم.»

بدبختی های سارا

همان روز^۷ واقع شد که سارا، دختر
رعوثیل اکباتانی در ماد^۸ نیز دشنام هایی از
سوی یکی از کنیزان پدرش بشنید. ^۸ علت
آن بود که وی هفت بار شوهر داده شده بود
و آزموداوس^۹ دیو شریر، هر بار شوهرانش
را کشته بود^{۱۰}، پیش از آن که آنها وی را
بشناسند مطابق آنچه وظیفه^{۱۱} زوجه است.
کنیز به او گفت: «تویی که شوهرانت^{۱۲} را
می کشی! تا به حال به هفت نفر شوهر داده
شده ای و نام هیچ یک را بر خود ننهاده ای!
چرا ما را به خاطر شوهرانت عذاب
می دهی، زیرا که مرده اند؟ با آنان برو و

هرگز از تو نه پسری و نه دختری نبینیم!»
آن روز روحش به شدت اندوهگین
گردید، اشک هایش سرازیر شد و قصد کرد
به اتاق مهتابی پدرش، بالا رفته خود را
حلق آویز^{۱۳} کند. اما باز برای یک بار دیگر
فکر کرده گفت: «می توانند به شدت پدر
مرا توهین کرده بگویند: فقط یک دختر
عزیز کرده داشتی و آن هم خود را به جهت
بدبختی هایش حلق آویز کرد! و من پدر
سالخورده ام را با اندوه به وادی مردگان
سرازیر خواهم کرد. برایم بهتر آن است که
خود را حلق آویز نکنم بلکه از خدا تمنا کنم
مرا بکشد تا دیگر در زندگانیم دشنام
نشنوم.»

نیایش سارا

در همان لحظه، دست هایش را به سوی دان^{۱۴}:۶
پنجره^{۱۵} بالا برده، چنین نیایش کرد:
«ای خدای رحمت تو متبارک^{۱۶} هستی!

O- روایتی که از دهان طوبیت پس از ۳:۱ بازگو می شد از این جا از دهان گوینده ای گمنام تا پایان کتاب ادامه می یابد.

P- قلعه مذکور در یهودیه ۱:۱-۴ همدان کنونی (در ایران).

Q- از نام آزموداوس در هیچ جای دیگر کتاب مقدس نشانی در دست نیست، ریشه لغوی آن محل شک و تردید است اما به نظر
می رسد از ریشه واژه ای عبری باشد که می تواند به معنای آن کس که باعث انهدام است باشد، همچنین آزموداوس نقیض و
ضد رفائیل است که معنایش: خدا شفا می دهد می باشد (ر.ک. ۱۷:۳ توضیح) در اثری تحریفی و جعلی به نام وصیت سلیمان
دشمن پیوند زناشویی معرفی گردیده است.

R- در ذهن افراد دوران کهن، بیماری ها و مرگ و میرهای غیرمترقبه به دیوها یا ارواح ناپاک نسبت داده می شد: ر.ک. مت ۹:۳۲؛
۱۲:۲۲؛ لو ۱۱:۱۱؛ ۱۴:۱۱؛ ۱۱:۱۳؛ ۱۶.

S- متن کوتاه: متوجه نیستی که شوهرهایت را خفه می کنی

T- فکر خودکشی که سرانجام آن را از سر باز می کند در عقیده یهودیت اسباب تعجب است. تنها مورد اشاره در کتاب مقدس درباره
قهرمانانی است که از سوی دشمنان نشان محکوم به مرگ گردیده بودند (داور ۹:۵۴؛ ۱۶:۳۰؛ ۱- سمو ۳۱:۴-۵؛ ۲- مک
۱۴:۴۱-۴۶) یا خائنان (۲- سمو ۱۷:۲۳؛ ۱- پاد ۱۶:۱۸؛ مت ۲۷:۵).

U- متوازی با دان ۶:۱۱، این فکر را تداعی می کند که پنجره این اتاق مهتابی هم رو به اورشلیم در جهت مرسوم نیایش بوده است
(ر.ک. ۱- پاد ۸:۳۸؛ ۴۴، ۴۸).

V- شکرگزاری به درگاه خدا یکی از مضامین برجسته کتاب طوبیت است. گشایش گر کمابیش نیایش ها، و درخواست ها به عنوان
شکرگزاری است (۳:۱۱؛ ۸:۵؛ ۱۵:۱۱؛ ۱۴:۱۱؛ ۱۳:۲) بارها به ایمانداران توصیه گردیده که اساسی ترین وظیفه آنان است
(۴:۱۹؛ ۶:۱۷؛ ۱۸؛ ۲۰؛ ۱۳:۷؛ ۱۴:۸-۹) و در واقع به وجود آورنده تار و پود تقوا و پرهیزکاری طوبیت و طوبیاست
(۱۰:۱۴؛ ۱۱:۱۵؛ ۱۶:۱۲؛ ۲۲:۱۴؛ ۲، ۱۵) و سرانجام نشان گرویدن یهودیان و مشرکان است (۱۳:۱۸؛ ۱۴:۶).

نیایش طوبیت و سارا اجابت می شوند

^{۱۶} نیایش هر دو در همان لحظه در بارگاه ۱۲:۱۲، ۱۵-۱۴
جلال خدا شنیده شد. ^{۱۷} و رفائیل^x برای شفا دادن هر دو فرستاده شد: نزد طوبیت برای برداشتن سفیدی چشمانش تا با چشمانش نور خدا را ببیند و نزد سارا دختر رعوثیل تا وی به زنی به طوبیا پسر طوبیت داده شود و وی را از آزموادوس دیو شریر برهاند زیرا پیش از دیگر مدعیان از آن ۱۵:۳ طوبیا بود که به وی برسد.
در این لحظه طوبیت از حیاط به خانه اش وارد شد و سارا دختر رعوثیل از مهتابی فرود آمد.

وصیت طوبیت

^۴ در این روز طوبیت به یاد پولی ۱۴:۱ افتاد که در ری^۱ ماد نزد جبعلیل به امانت نهاده بود^۲ و در قلب خویش گفت: «اینک مرگ را طلبیده‌ام، چرا طوبیا پسر ۶:۳ را درباره این پول پیش از مردن مطلع نگردانم؟»^۳ پسرش طوبیا را طلبید که به نزدش رود و به وی گفت:^۴

و نام تو تا به ابد متبارک است!
باشد که تمام اعمال تو جاودانه مبارکت خوانند!
^{۱۲} اکنون چهره‌ام را و چشم‌هایم را به سوی تو بلند می‌کنم.
^{۱۳} فرمان ده از خاک رهایی یابم ۶:۳
و دیگر هرگز دشنام نشنوم. ۱۰، ۶:۳
^{۱۴} تو می‌دانی، ای سرور، که من از همه ناپاکی‌های آدمی میرا هستم
^{۱۵} من نه نام خویش را در سرزمین تبعید آلوده کرده‌ام نه نام پدرم را.
۱۵:۶، ۱۰:۳ من دختر یگانه پدرم هستم،
۸:۲۷ اعدا فرزند دیگری وارث او نمی‌باشد
و او نه خویشی دارد، نه برادر و نه اولیائی
که من بایستی به عنوان همسر^w، ۱۷:۳
خود را برایشان نگاه می‌داشتم. ۱۳-۱۲:۶
تاکنون هفت تن را از دست داده‌ام، ۱۴-۱۲، ۱۰:۷
پس دیگر چرا باز باید به زندگی ادامه دهم؟
و اگر نمی‌خواهی مرا بکشی باشد!
پس به توهین‌هایی [که به من شده] گوش فرا دار.»

۷ برابر کتاب اعداد ۳۶:۶-۹ دخترانی که موروثاً در سیط یهودند تنها باید در قبیله پدری ازدواج کنند تا ارتبه محفوظ بماند. این قاعده توسط کتاب طوبیت به معنای بسیار جدی تعبیر گردیده است و به منزله اجبار در عقد نکاح با نزدیکترین خویش که تورات اجازه ازدواج می‌دهد در آمده است. این موشکافی در امر تقوا و پرهیزکاری که روح کتاب از آن سرشته است، بی‌تردید اشاره به ازدواج بین عموزادگان دوران پدر سالاری دارد. (ر.ک. ۱۲:۴) و شاید هم ملهم از مقررات عقد ابدالی جنسی^۱ باشد که موجب عقد زنی بیوه با برادر شوهر متوفی می‌گردد (تث ۵:۵-۶؛ مت ۲۴:۲۲ ادا مه).

- خالاج از کتاب طوبیت نام این نوشته تنها در نوشته‌های تحریفی دیده می‌شود. معنای این نام خدا شفا می‌دهد می‌باشد و همان‌طور که از این آیه برمی‌آید نقش اساسی وی در این کتاب، شفا طوبیا و سارا است (۸:۶-۹، ۱۷:۱۱-۸) ضمناً به عنوان راهنما مسافرت طوبیا نیز درمی‌آید (۱۷:۵) بمانند فرشته‌ای که راهنمای قوم بنی اسرائیل در صحرا بود (خروج ۲۳:۲۰-۲۳) یا مانند آن کس که خادم ابراهیم را تا نزد رفقه راهنمایی می‌کند (پید ۷:۲۴-۴۰) رفائیل که در نقش میانجی ممتاز و برجسته در برابر خدا عمل می‌کند یکی از نخستین فرشتگان در سلسله مراتب بارگاه آسمانی است (۱۵، ۱۲:۱۲). طوبی وی را در سراسر روایت به عنوان همراهی که سرشته از مشیت در زندگانی ایمانداران است، معرفی می‌کند.

y- ری: راگو Ragau مذکور در کتاب یهودیه ۵:۱، ۱۵ در جنوب تهران کنونی

- آیه‌های ۳-۱۹ متعلق به سبک ادبی در مورد وصیت است که کاربرد آن در امانت نهادن میراث روحانی به معنای انتقال آن وسیله یک پدر سالار پیش از مرگش است. مجسوعه امثال به کار رفته در اینجا دقیقاً پرهیزکاری جامعه یهود، خارج از سرزمین پدری را نشان می‌دهد که می‌توان آن را به ۵ بخش کرد

- ۱۰ زیرا صدقه از مرگ می‌رهاند و مانع از
 ورود به ظلمات می‌گردد. ۱۱ زیرا برای همه
 کسانی که صدقه می‌دهند (مانند)
 قربانی شایسته‌ای در حضور قادر متعال^c
 است. بنسب ۲:۳۵
- ۱۲ فرزندی از هر پیوند نامشروع^d
 خودداری کن و پیش از همه زنی از تبار
 پدران خود بگیر. زنی بیگانه را بگیر که از
 قبیله پدرت نباشد، زیرا ما پسران انبیا
 هستیم. فرزندی به یاد داشته باش از نوح تا
 ابراهیم، تا اسحق، تا یعقوب، پدران
 آغازین ما، آنان همه زنی از میان (برادران)
 خویش گرفته‌اند^f و فرزندان آنان متبارک
 بوده‌اند و اعقاب آنها وارث زمین خواهند
 بود. ۱۳ پس ای فرزندی، برادرانت را
 برتری ده و آنان را در قلب خویش خوار
 مشمار، نسبت به برادران و پسران و
 دختران قوم خود مغرور مباش تا زنی از
 میان ایشان برای خود بگیری زیرا در غرور
 ویرانی و هرج و مرجی عظیم است و در
 بی‌عرضگی سرافکنندگی و ناسزاواری
 بزرگ، بی‌عرضگی در واقع مادر گرسنگی
 است. بنسب ۱:۱۲
 لاو ۱۳:۱۹
 تث ۱۵:۲۴
- ۱۴ مبدا دستمزد آن کس که برای تو کار
 «مرا به شایستگی به خاک بسپار،
 مادرت را احترام کن و سراسر عمرش وی را
 ترک منما. آنچه وی را خوشایند است
 انجام بده و در هیچ چیز روحش را مکدر
 نگردان. ۴ فرزندی، به خاطر بیاور وقتی در
 رحمش بودی، به خاطر تو بسیار خطرها
 کرده است و وقتی وی در گذرد وی را نزد
 من در همان گور به خاک بسپار.
 ۵ فرزندی، در تمام عمرت خداوند را
 به یاد داشته باش. راضی به گناه کردن و
 سرپیچی از احکامش مشو. به هر روز از
 عمرت اعمال نیکو بجای آور و در راه ظلم
 گام برمدار. ۶ زیرا اگر به حقیقت^a عمل
 کنی، در اعمال موفق خواهی شد. ۷
 مانند همه کسانی که عدالت را به کار
 می‌بندند^b، از دارائی ات صدقه بده و چشم
 تو وقتی صدقه می‌دهی حریص نباشد،
 رویت را از هیچ فقیری برنگردان و چهره
 خدا از تو برگردانده نخواهد شد.
 ۸ به حسب آنچه داری، به تناسب اهمیت
 دارائی ات صدقه بده، اگر مال اندک داری
 از صدقه دادن از این اندک هم مه‌راس
 زیرا این گنج نیکویی است که برای
 روزهای درماندگی جمع‌آوری می‌کنی،
 خروج ۱۲:۲۰
 تث ۱۶:۵
 مت ۴:۱۵
 امث ۲۲:۲۳
 بنسب ۲۷:۷
- ۱۶:۴
 تث ۱۰:۱۵
 ۲-قرن ۷:۹
 مز ۱۷:۱۹
 بنسب ۴:۴
- بنسب ۹:۳۵
 ۲-قرن ۱۱:۸-۱۳
- مت ۲۰:۶
 ۱-تیمو ۱۹:۶
- آیه‌های ۳-۴ وظیفه نسبت به پدر و مادر، آیه‌های ۵-۱۱ صدقه دادن، آیه‌های ۱۲-۱۳ قواعد ازدواج، آیه‌های ۱۴-۱۷ درباره ارتباط با دیگران، آیه‌های ۱۸-۱۹ اداره امور. روش در مورد اقدامات مختلف ودیعه گذاشتن پول، بهانه مذاکره در آن باره تنها تصادفاً در آیه‌های ۲۰-۲۱ پیش می‌آید.
- a - طرز نگارش عبری، منظور: کسانی که به تورات عمل می‌کنند.
- b. از این جا تا نیمه آیه ۱۹ متن طولانی دارای افتادگی است که آن را با متن کوتاه تکمیل کرده‌اند.
- c - کمک و یاری به درماندگان که اختصاصاً در تث ۷:۱۵-۱۱ تأکید شده است، یکی از اعمال اساسی تقوای یهود است ر.ک. به عنوان مثال به: مز ۱۱۲:۹؛ امث ۱۷:۱۹، ۲۷:۲۸؛ بنسب ۳:۳۰-۴:۱۰، ۸:۲۹-۱۳:۱۳؛ مت ۶:۱-۴:۱۹؛ و ادامه آن لو ۱۱:۴۱؛ ۱۲:۳۳؛ ۱۹:۸؛ یو ۱۳:۲۹؛ اع ۹:۳۶؛ ۱۰:۲-۲؛ قرن ۹:۹؛ غلا ۱۰:۲.
- d. تحت اللفظی: از هر نوع سوء اخلاق. بی تردید منظور احتراز از نکاحی است که از دید شریعت موسی ممنوع است که در کتاب لاویان ۱۸-۶:۱۸ به آن اشاره گردیده است (ر.ک. مت ۵:۳۲ توضیح، اع ۱۵:۲۰ توضیح).
- e یعنی به معنای وسیع کلمه، بشری که دارای روابط ممتاز و برجسته با خداست (ر.ک. پید ۲۰:۷).
- f. خویشاوندی بین نوح و زئش، در کتاب مقدس مورد تأیید نیست این عمل کتاب تحریفی «هلله» است در مورد ابراهیم، اسحق، یعقوب به ترتیب ر.ک. به پید ۲۰:۱۲؛ ۲۵:۲۰؛ ۲۹:۱۵-۳۰.

فرزندم ترا مطلع می گردانم که ده تالان نقره ۱۴:۱
 نزد جبعیل (پسر) غابیلوس^k در ری ماد به
 امانت نهاده ام. ^{۲۱} مهراس فرزندم، اگر ما
 درمانده شده ایم؛ تو ثروت عظیمی داری اگر ^۱ تیمو ۶:۶
 از خدا بترسی و از گناه بگریزی و آنچه را
 در حضور خداوند خدای تو نیکوست
 به جای آوری.»

مقدمات سفر

^۱ در پاسخ طوبیا به پدرش گفت:
 «ای پدر، آنچه مرا فرمان دادی
 انجام خواهم داد. ^۲ اما چگونه می توانم پول
 را از وی بگیرم که نه او مرا می شناسد و نه
 من او را؟ چه نشانی وی را دهم تا مرا
 بشناسد، مرا باور کند و پول را به من
 بدهد؟ و راه هایی را که به ماد می روند
 نمی شناسم تا بدانجا روم.» ^۳ آنگاه طوبیت
 در پاسخ به پسرش طوبیا گفت: «او
 بنچاقی^۱ به من داده است و من هم بنچاقی
 به وی داده ام، آن را دو قسمت کرده
 هریک، یک قسمت آن را برداشته ایم و من
 آن را با پول یک جا نهاده ام. و اینک
 بیست سال است که این پول را به امانت

کرده است شبی بر آن بگذرد، فوراً مزد وی
 را بده و اگر خدا را خدمت کنی پاداش
 خواهی یافت. ای فرزندم در تمام اعمال
 مراقب خود باش و در رفتار خود را
 مؤدب نشان ده. ^{۱۵} آنچه را منفور می داری،
 در باره هیچ کس^g انجام مده، تا سرحد
 مستی شراب ننوش و مستی مونس راحت
 نگردد. ^{۱۶} از نان خویش به آن کس که
 گرسنه است و از لباس هایت به آن کس که
 برهنه است بده. از مازاد درآمدت صدقه
 بده و چشم تو وقتی صدقه می دهی حریص
 نباشد. ^{۱۷} نان^h خویش را بر گور عادلان
 پهن کن اما به گناهکارانⁱ نده.

^{۱۸} از هر کس که محتاط است اندرز
 بپذیر و هیچ اندرز مفیدی را خوار م شمار.
^{۱۹} در هر فرصتی خداوند خدای را مبارک
 خوان و از وی بخواه که راحت راست باشد
 و کوره راه ها و تدابیرت موافق درآید زیرا
 همه کس مشاور نیکو^j نیست. اما نیکی ها
 را خدا می دهد و به میل خویش هر کس را
 بخواهد پست می کند.

و اینک فرزندم به یاد دستورهای من باش
 و از قلبت زدوده نشوند. ^{۲۰} و اینک

g- این ضرب المثل را: «قانون زرین» نامیده اند که در کتاب حکمت احیقر و در برخی از شواهد نامه اعمال رسولان ۱۵: ۲۰-۲۹ و با تعبیری مثبت از دهان عیسی در مت ۱۲: ۷؛ لو ۳۱: ۶ شنیده شده است.

h منظور توزیع و پخش کردن است. در برخی از نسخ آمده است نان و شراب خود را پخش کن با کتاب حکمت احیقر که مثال از آن اقتباس گردیده است احتمالاً باید خوانده شود. شراب خود را سرازیر کن.

i این آیه مایه شگفتی است. در واقع تورات صدقه خوراکی برای بقای مردگان را منع می کند: تث ۲۶: ۱۴؛ ر.ک. ارمیاء (متن لاتینی) ۲۶؛ بنسی ۱۸: ۳۰ (یونانی) باید چنین پذیرفت که این نشانه از مناسک شرک به همین وضع وارد کتاب طوبیت گردیده است. اولیای متوفیان غیرایمانداران از این بدل و بخشش محروم اند.

j متن طویل در اینجا با اتصال به آغاز آیه ۷ چنین است: همه کسانی که عدالت پیشه می کنند، خدا به آنان فراست (عوض) ذیقیمتی عطا می کند؛ و هر کس را خواهد خوار می گرداند...

k- در ۱۴: ۱ جبعیل برادر غابیلوس معرفی گردیده بوده است.

l در این جا متوجه اقدام خاصی در باره اجرای احکام در مورد ودیعه پیش بینی شده توسط شریعت عهد می گردیم (خروج ۲۲: ۶-۱۲، ر.ک. لاو ۵: ۲۱-۲۶).

سپرده ام! حال پسر مرد مطمئنی را پیدا کن که با تو بیاید و هنگام بازگشت^m مزدش را خواهیم داد و بعد رفته این پول را از جعیل دریافت کن.»

^۴ طوبیا در جستجوی مردی که راه را خوب بشناسد بیرون شد تا با وی به ماد برود. بیرون رفته رفائیل فرشته را که در برابرش ایستاده بود یافت اما ندانست که وی فرشته خداست. ^۵ به وی گفت: «ای مرد جوان از کجایی؟» فرشته به او گفت: «من از برادران تو، از پسران اسرائیل هستم و به اینجا آمده ام تا کار کنم.» طوبیا به او گفت: «برای رفتن به ماد راه را می شناسی؟» ^۶ فرشته به وی گفت: «آری اغلب آنجا بوده ام، همه راه ها را خوب می شناسم. اغلب به ماد رفته ام و شب را نزد جعیل برادر ما که ساکن ری ماد است به سر برده ام. دو روز راه متعارف از اکباتان به ریⁿ است زیرا ری در کوهستان^o می باشد. ^۷ طوبیا به او گفت: «ای مرد جوان، منتظر من باش تا وارد شده پدرم را مطلع گردانم زیرا نیاز دارم که تو با من همراه شوی و من مزدت را خواهم پرداخت. ^۸ به وی گفت: «باشد! من اینجا می مانم. فقط دیر نکن.» ^۹ طوبیا وارد شد تا طوبیت پدرش را خبر

کند و به او گفت: «اینک مردی یافته ام از میان برداران خود از فرزندان اسرائیل.» طوبیت به وی گفت: «این مرد را صدا کن تا بدانم از چه نژاد و کدام قبیله است و بینم آیا می توان به او اعتماد کرد که با وی بروی.» ^{۱۰} طوبیا بیرون شده وی را صدا کرد و گفت: «ای مرد جوان، پدرم تو را می طلبد.»

فرشته به خانه داخل شد و طوبیت نخست^p وی را سلام کرد. فرشته به او ^{۱۱:۷} گفت: «شادی بزرگ تو را باد!» و طوبیت در پاسخ به او گفت: «چه شادی دیگری می توانم داشته باشم؟ من مردی محروم از چشمانم هستم و دیگر نور آسمان را نمی بینم و غرقه در ظلماتم چون مردگان که دیگر نور را نمی بینند. زنده، در میان مردگانم، صدای آدمیان را می شنوم، اما آنها را نمی بینم.» فرشته به او گفت: «شهامت داشته باش^q! خدا^r به زودی تو را شفا خواهد داد، طاقت داشته باش!» طوبیت به او گفت: «طوبیا پسر می خواهد به ماد برود آیا می توانی وی را همراهی و راهنمایی کنی؟ ای برادر مزدت را خواهم داد.» او به وی گفت: «می توانم با او بروم. همه راه ها را می شناسم، اغلب به ماد رفته ام، همه دشت ها و کوه هایش را

۱۷:۷:۲۱:۸
۱۱:۱۱

m. متن کوتاه: تا عمر دارم به وی مزد خواهم پرداخت.

n. در واقع این مسیر مستلزم پنج یا ده برابر این مدت بود.

o. طبق روایت دیگر: ری در کوهستان اکباتان در میان دشت واقع است. هر دو شهر در ارتفاعات بنا گردیده بوده اند.

p. ادب اقتضا می کرد که در سلام پیشدستی به عمل آید (ر.ک. ۱:۷).

q. در کتاب طوبیت در مورد طاقت آوردن و همت داشتن (۵:۱۰؛ ۷:۱۷؛ ۸:۲۱؛ ۱۱:۱۱) و رنجه نگریدن و غم نخوردن (۵:۲۱؛ ۶:۱۶؛ ۱۸؛ ۱۰:۶) سعی بلیغ به عمل آمده است با تذکر به این نکته که تنها صبر و بردباری و اعتماد است که

می تواند منجر به طی طریقی آرام و مرموز در مشیت خدا باشد.

r. پیشگویی مطمئن از دهان رفائیل و آرزویی ساده در روح طوبیا: جمله دارای معنای دوگانه است، مانند ۵:۱۷ (فرشته او برای حفظ شما با شما ره سپرد) و در ۵:۲۲ (فرشته ای نیکو او را همراهی کرد).

خواهم کرد.»^{۱۷} عزریا به او گفت: «با او
خواهم رفت. از هیچ مترس، با سلامت
کامل خواهیم رفت و با سلامت کامل نزد تو
باز خواهیم گشت زیرا راه امن است.»
طوبیت به او گفت: «ای برادر متبارک^x
باشی!» بعد پسرش را فرا خوانده به او
گفت: «ای فرزند آنچه برای سفر لازم است
تهیه بین و با برادرت حرکت کن و خدا که
در آسمان است شما را تا آنجا صحیح و
سالم نگاه دارد و شما را سلامت به نزد من
بازگرداند! فرزندم، باشد که فرشته او
برای حفظ شما با شما راه سپارد!»
طوبیا برای عزیمت بیرون شد و پدر و
مادرش را در آغوش کشید. طوبیت به او
گفت: «سفر بخیر!»^{۱۸} مادرش با دیدگانی
اشک بار به طوبیت گفت: «چرا فرزندم را
فرستادی؟ آیا عصای دست^y ما نبود که
جلوی ما بیرون و درون می شد؟^{۱۹} شاید
که پول به پول اضافه نشود اما فدیة، بچه^z
ما شود! همان قدر که خدا به ما زندگانی
داده، ما را بس بود.»^{۲۱} او به وی گفت:
«خود را مضطرب مساز^a، به سلامت رفته و
فرزند ما سلامت به نزد ما باز خواهد گشت

درنور دیده ام و همه راه ها را می شناسم.»
^{۱۱} طوبیت به او گفت: «برادر از چه
خانواده ای و از چه قبیله ای؟ ای برادر مرا
با خبر کن.»^{۱۲} او گفت: «قبیله^s من تو را
به چه کار آید؟» طوبیت به او گفت:
«حقیقت را می خواهم بدانم: ای برادر از
کی هستی و نام تو چیست؟»^{۱۳} او به وی
گفت: «من عزریا هستم پسر حنئیای بزرگ
که از برادران نوست.»^{۱۴} طوبیت به او
گفت: «ای برادر خوش آمده ای! اگر
خواستہ ام حقیقت را درباره خانواده تو
بدانم از من رنجیده مباش، به نظر می رسد
که تو برادر من باشی و از تباری شریف و
سختاوتمند. من حننیا و ناتان دو پسر
سمالیای بزرگ را می شناختم. آنان با من^u
به اروشلیم می رفتند و آنجا با من به عبادت
می پرداختند و آنان گمراه نشدند. برادران
تو اشخاص نیکویی هستند، تو از طبقه
خوبی هستی، خوشبخت باشی!»
^{۱۴:۴} ^{۱۵} باز به او گفت: «به عنوان دستمزد،
روزانه ترا یک درهم^v خواهم داد علاوه
بر آن، خرج روزانه ات را به مانند پسر.
^{۱۶} با پسر برو و باز به دستمزد^w اضافه

۲۲:۵
پید:۲۴، ۷:۴۰
خروج:۲۳، ۲۰:
مزا:۱۱

۱۸، ۱۶:۶
۶:۱۰

- S. متن کوتاه: به دنبال چه هستی؟ یک قبیله و یک خانواده، یا مردی مزدور برای همراهی با پسر؟
T. اصطلاح ترجمه شده در این جا بیست بار در کتاب طوبیت تکرار می گردد و بیشتر ناظر بر وضع اخلاقی است تا جسمانی انسان
و لذا به نوع دیگری برحسب متن باید تعبیر گردد: خوش آمدن، شاد بودن، سلامت بودن، صحیح و سالم بودن و...
II. متن کوتاه می افزاید با آوردن نخست زادگان و عشریه محصولات.
V. درهم، واحد پول یونانی (دراخما) حد دستمزد طبیعی یک روز کار است همان طور که بعداً دینار رومی (دینه) (ر.ک. مت
۲:۲۰).
W. متن کوتاه می افزاید: اگر صحیح و سالم باز گردید.
X. این عبارت در اینجا حکم مرخص کردن را دارد. ر.ک. خروج ۳۲:۱۲ توضیح: یوشع ۶:۲۲-۷:۲- سمو ۱۳:۲۵؛ ۱- پاد ۸:۶۶ و...
Y. متن ولگات چنین است دارای عصای پیری ما هست، اصطلاحی بسیار رایج.
Z. این بند دشوار به اشکال متفاوتی ترجمه شده است. معنای کلی آن چنین می تواند باشد. جمع آوری ثروت بیهوده است،
هیچ چیز گران بهاتر از زندگانی یک پسر نیست.
a. ر.ک. ۱۰:۵ توضیح.

و چشمان تو آن روز را که او سلامت به سوی تو بازگردد خواهد دید. ۲۲ خود را رنجه مدار، به خاطر آنان مترس ای خواهرم^b، فرشته ای نیکو به همراه آنان است، مسافرتش موفقیت آمیز خواهد بود و به سلامت باز خواهد گشت. ۲۳ و او از گریستن باز ایستاد.

صید ماهی

۶^۱ فرزند رفت و فرشته با وی؛ سگ^c نیز با وی حرکت کرده با آنان راه می پیمود. هر دو به راه افتادند و چون شب اول فرا رسید در کنار دجله بسر بردند. ۲ فرزند پایین آمد تا پاهایش را در دجله بشوید که ماهی بزرگی از آب بیرون جهید که می خواست پای^d پسر را ببلعد، وی فریاد بر آورد. ۳ اما فرشته به پسر گفت: «ماهی را بگیر و محکم نگاه دار!» پسر ماهی را گرفته به خشکی کشاند. ۴ فرشته به او گفت: «(شکم) ماهی را باز کن و کیسه صفرا، قلب و جگرش را بیرون بیاور، آنها را با خود نگاه دار و اندرونش را دور انداز زیرا از کیسه صفرا، قلب و

جگر این (ماهی) مرهم مفیدی به دست می آید. ۵ پسر (شکم) ماهی را باز کرد، کیسه صفرا، قلب و جگرش را بیرون کشید و بعد تکه ای از ماهی را کباب کرد و خورد^e و تکه ای نمک سود کرد.

۶ هر دو راه خود را با هم تا نزدیکی های ماد ادامه دادند. ۷ آنگاه پسر از فرشته پرسیده گفت: «ای عزریا، برادر من، در قلب، در جگر ماهی و در کیسه صفرا چه دارویی وجود دارد؟»^۸ به وی گفت: «قلب و جگر ماهی را اگر در برابر مرد یا زنی که در معرض حمله دیو یا روح پلید قرار گرفته باشند دود بدهی همه حمله ها از بین می رود و دیگر آنها هرگز^f با ایشان نخواهند ماند. ۹ اما درباره کیسه صفرا، اگر آن را به چشمان مردی که چشمانش ۱۱-۱۱، ۸:۱۱ سفیدی آورده بمالی و بر سفیدی بدمی شفا^g خواهند یافت.»

طرح ازدواج

۱۰ وقتی وارد ماد شدند، در نزدیکی اکباتان^{۱۱} رفائیل به پسر گفت: «طوبیا برادر من.» گفت: «چیست؟»^h (فرشته)

b. ر.ک. ۱۲:۷ توضیح.

c. این سگ با وفا تا انتها صاحبش را دنبال می کند (۴:۱۱) این امر نشان می دهد که جریان در خارج از سرزمین فلسطین اتفاق می افتد، زیرا سگ ها به صورت گله و نیمه وحشی در آن سرزمین به سر می برده اند (مز ۲۲:۱۷، ۵۹:۷، ۱۵-۱۶: ر.ک. لو ۲۱:۱۶) که همواره به دنبال نعش های متعفن و رها شده بودند (خروج ۲۲:۳۰: ر.ک. ۱-پاد ۱۴:۱۱، ۱۶:۴، ۲۴:۲۱) و لذا حیواناتی نجس و مکروه بودند (امت ۱۱:۲۶، ۲-بطر ۲:۲۲: ر.ک. تث ۱۹:۲۳، ۱-سمو ۲۴:۱۵، ۲-سمو ۳:۸، ۸:۹، ۱۶:۹، ۲-پاد ۸:۱۳، ۸:۷، ۶:۷، ۲:۳، ۲:۳، ۱۵:۲۲).

d. متن کوتاه: قصد بلعیدن پسر را داشت.

e. در متن کوتاه فرشته نیز از ماهی می خورد. هر دو روایت در واقع با هم متفق اند. فرشته به ظاهر ماهی را خورده است اما نه در واقع (ر.ک. ۱۹:۱۲ توضیح).

f. به این معنا که بوی متعفن دود دادن باعث ناراحتی دیو و فرار او می گردد (ر.ک. آیه ۱۷).

g. جگر (عضو ترشح صفرا) ماهی یکی از داروهای مفید دوران قدیم در درمان بیماری های چشم بوده است.

h. تحت اللفظی: لبیک. شیوه سنتی پدر سالاران که در حکم حاضر به خدمت بودن کسی است که با ادای آن قبول رساندن پیامی مهم را می پذیرد (ر.ک. پید ۱-۱۱:۲۷، ۱:۲۷، خروج ۳:۴، ۱-سمو ۳:۴، ۱۶ و...)

ندارد بلکه آن کس را که می خواهد با او نزدیک شود می کشد.^{۱۵} من تنها پسر پدرم هستم و از مرگ می ترسم، از این که ۱۵:۱۰:۳
زندگانی پدرم و مادرم را به گور بکشانم و آنها را به خاطر خود معذب دارم و پسر دیگری ندارند تا آنان را به خاک سپارد.»^{۱۶}
رفائیل به وی گفت: «مگر دستورهای پدرت را فراموش کرده ای که چگونه تورا ۱۹:۴
دستور داده است تا زنی از خاندان پدرت ۹:۱
بگیری؟ و اکنون ای برادر به من گوش فرا دار، خود را بابت این دیو مضطرب مساز و ۲۱:۵
دختر را بگیر. می دانم که همین امشب وی زن تو خواهد شد.^{۱۷} اما وقتی به حجله وارد شدی، جگر ماهی و قلبش را بردار و ۸:۶
آن را بر مجمر بگذار، بویش پراکنده خواهد شد و دیوان را بو کشیده خواهد گریخت و دیگر هرگز در اطراف او دیده نخواهد شد.^{۱۸} و وقتی در لحظه پیوند با وی قرار بگیری، هر دو برخاسته نیایش ۴:۸
کرده از خداوند آسمان بخواهید تا رحمت و سلامت بر شما آید. مهراش زیرا همواره ۴۴:۱۴:۲۴
از قبل، او قسمت تو بوده است. این تویی که وی را نجات خواهی داد، وی با تو خواهد آمد و قول می دهم که فرزندان خواهی داشت که برایت چون برادر خواهند بود، مضطرب مباش.» ۲۱:۵
^{۱۹} وقتی طوبیا سخنان رفائیل را شنید و دانست که (سارا) خواهرش از تبار خاندان پدرش است، مهراش بر دلش نشست و قلبش پای بند وی گردید. ۶۷:۲۴

به او گفت: «امشب را باید نزد رعوئیل بسر بریم. این مرد خویش دوست و دختری ۱۵:۳
دارد که نامش سارا است.^{۱۲} فرزند ذکوری ندارد و نه دختری سوای سارای تنها. تو نزدیکترین خویش وی هستی و امتیازی داری که برتر از هر کس دیگر از آن تو شود و تو بر دارایی پدر وی حق داری. دختر جوان، فهمیده، کوشا و بسیار زیباست و پدرش (مردی) محترم است.»^{۱۳} باز گفت: «تو حق داری وی را بگیری، ای برادر به من گوش کن امشب از دختر جوان با پدرش صحبت خواهیم کرد تا ترا چون نامزد پذیرا گردد و وقتی از ری بازگشتیم عروسی را به راه خواهیم انداخت. می دانم که رعوئیل نمی تواند ترا رد کند و دخترش را به ازدواج دیگری درآورد، مگر با قرار دادن خود در معرض مجازات مرگ، طبق شریعت کتاب موسی، زیرا می داند که تو در گرفتن^۱ دختر وی حق داشته و برتر از هر کس دیگر هستی. اکنون به من گوش فرا دار ای برادر. امشب از دختر جوان صحبت کرده از وی برای ازدواج با تو خواستگاری خواهیم کرد و وقتی از ری بازگشتیم او را با خود برداشته به خانه تو خواهیم آورد.»
^{۱۴} آنگاه در پاسخ طوبیا به رفائیل گفت: ۸:۳
«عزریا برادرم، شنیده ام که او قبلاً به هفت شوهر داده شده است و آنان در حجله همگی مرده اند. وقتی آنان به سویش رفته اند، مرده اند و از برخی شنیده ام این دیوی است که آنها را به قتل می رساند. ۱۵
و اینک من می ترسم زیرا به وی کاری

۱. در هیچ یک از متون کتاب مقدس از چنین توییح و عقوبتی سخن در میان نیست. مسبب ازدواج بین یهودیان و بیگانگان در معرض هلاکت بودند (تث ۳:۷-۴).
۲. متن کوتاه تصریح دارد که دیو، عاشق ساراست.

ازدواج طوبیا

۱ وقتی وارد اکباتان شدند طوبیا گفت: «ای برادرم عزریا، مستقیم مرا به نزد رعوئیل برادرمان ببر.» او وی را به خانه رعوئیل برد. وی را نشسته بر در حیاط یافتند و نخست وی را سلام گفتند.^k ۱۰:۵ او به ایشان گفت: «خوشی عظیم شما را باد، ای برادران خوش آمده اید!» و آنان را به خانه خویش هدایت کرد.^۲ به زنش عدنا گفت: «این مرد جوان چقدر به برادرم طوبیت شبیه است!»^۳ عدنا از آنان پرسیده گفت: «از کجا می آید ای برادران؟» آنان به او گفتند: «ما از پسران نفتالی هستیم که به نینوا تبعید شده ایم.»^۴ او به آنان گفت: «آیا طوبیت برادرمان را می شناسید؟» آنان به او گفتند: «وی را می شناسیم.»^۵ (عدنا) به آنان گفت: «حالش خوب است؟» آنان وی را گفتند: «حالش خوب است و روزگار می گذرانند.» طوبیا گفت: «وی پدر من است.»^۶ رعوئیل برجسته وی را به مهربانی در آغوش کشید و اشک از دیدگانش جاری شد. سپس شروع به سخن کرده به وی گفت: «فرزندم متبارک باشی، پسری از پدری شریف و سخاوتمند! آه! چه بدبختی بزرگی که نابینا^۱ شده است. مردی راست کردار که (همواره) صدقه می داد» و از گردن طوبیا، برادرش، آویخته به گریه

افتاد.^۷ عدنا همسرش نیز بر وی گریستن گرفت و سارا دخترشان نیز به گریه افتاد.^۸ سپس قوچی از رمه کشت و از آنان به گرمی پذیرایی کردند.^۹ وقتی ایشان استحمام کرده خود را شستند و بر سر سفره نشستند، طوبیا به رفائیل گفت: «ای عزریا برادرم، به رعوئیل بگو سارا، خواهرم را به من بدهد.»^{۱۰} رعوئیل این سخنان بشنید و به مرد جوان گفت: «بخور و بنوش و شبی آرام بگذران، زیرا روا نیست احدی سارا را بگیرد مگر تو برادرم و حتی من نیز حق^{۱۱} ندارم وی را به مرد دیگری دهم مگر به تو زیرا تو نزدیکترین خویش من هستی. با وجود این فرزندم باید تو را از حقیقت امر باخبر گردانم.^{۱۲} وی را به هفت مرد از برادران خود دادم و همه همان شب که به سوی وی رفتند، مردند و اکنون فرزندم بخور و بنوش، خدا برای شما عمل خواهد کرد.»^{۱۳} اما طوبیا گفت: «تا درباره کار من تصمیم نگیری اینجا هیچ نخواهم خورد و نخواهم نوشید.» رعوئیل به وی گفت: «آن را انجام می دهم. (سارا) برابر شریعت کتاب موسی به تو داده شده^{۱۴} است و آسمان حکم داده است تا به تو داده شود. خواهرت را بپذیرا باش. از این پس تو برادر او و او خواهر^m توست، وی از امروز^{۱۵} تا به ابد به تو داده شده و خداوند آسمان

k. ر. ک. ۱۰:۵ توضیح. متن کوتاه تصریح دارد که سارا به دیدار آنان رفته بود (ر. ک. پید ۱۵:۲۴، ۹:۲۹).

l. متن کوتاه منطقی تر است. رعوئیل از طریق میهمانان خود پی به نابینایی طوبی می برد که از وقوع آن چهار سال گذشته بود (ر. ک. ۱۰:۲ در مورد متن بلند) یا هشت سال (ر. ک. ۲:۱۴ در متن کوتاه) و غایبوس مدتها پیش از این بود که خبری از طوبی نداشت حتی اطلاعی از وجود پسر وی نیز نداشته است. (ر. ک. ۱۵:۳).

m. در کتاب طوبیت معانی خواهر و برادر دارای طیف وسیعی است که بیشتر منظور رساندن معنای هم کیشی است (۱:۳:۱...) خویشان (... ۱۹:۶) زوج ها (۵:۲۲:۷، ۱۲:۷، ۱۵:۸، ۴:۸، ۲۱:۱۰، ۶:۱۰، ۱۳:۶، ۱۳:۶، ۹:۴ و...)

چنان کند که امشب همه چیز برای شما به خوبی بگذرد ای فرزندم. باشد که خداوند شما را شامل رحمت و آرامش فرماید!»^{۱۳} رعوئیل دخترش سارا را فراخواند که به نزدش آمد. دست وی را گرفته در دست طوبیا^{۱۴} نهاد و گفت: «وی را بپذیر، برابر تورات و برابر شریعت نوشته در کتاب موسی که او را به زنی به تو می دهد، وی را بگیر و صحیح و سالم به نزد پدرت ببر، باشد که خدای آسمان موفقیت و آرامش به شما عطا فرماید!»^{۱۵} مادرش را فراخواند و دستور داد یک برگ کاغذ (پاپیروس) آورد. عقد نامه ازدواج^{۱۶} را بر آن نوشت که وی را برابر شریعت تورات موسی^{۱۷} به زنی می دهد. پس از آن به خوردن و نوشیدن پرداختند.

شب زفاف

^{۱۵} رعوئیل، عدنا همسرش را فرا خوانده به وی گفت: «خواهرم^{۱۸}، اتناق دومی را آماده و سارا را به آنجا راهنمایی کن.»^{۱۶} (عدنا) به درون اتناق شده، بستر را آماده کرد و همان طور که به وی گفته شده بود، دخترش را به آنجا راهنمایی کرد. به خاطر (دخترش) گریستن آغاز کرد، سپس اشک هایش^{۱۹} را سترد و به وی گفت:

^{۱۷} «شجاع باش دخترم! باشد که خدای آسمان، اندوه تو را به شادی^{۲۰} مبدل سازد! یوحنا: ۲۰:۱۶
شجاع باش دخترم!» و خارج شد.
وقتی از خوردن و آشامیدن باز ایستادند، میل به خواب کردند. مرد جوان را راهنمایی کرده به اتناق خویش وارد کردند.^{۲۱} طوبیا سخنان رفوئیل را به یاد آورد: از خورجین خود جگر و قلب ماهی و را بیرون آورد و آن را بر مجمر^{۲۲} گذاشت. بوی ماهی دیو را متوقف ساخت و به مناطق مصر^{۲۳} علیا گریخت. رفوئیل به آنجا رفت و دیو را گرفته و همان لحظه به بند نهاد.^{۲۴} والدین خارج شده و در اتناق را بسته بودند. طوبیا از بستر برخاسته و به (سارا) گفت: «خواهرم^{۲۵} برخیز، به درگاه خدایمان نیایش و استغاثه کنیم تا به ما رحمت و سلامت عطا فرماید.»^{۲۶} (سارا) برخاست و آنان آغاز به نیایش و استغاثه کردند تا سلامت به ایشان عطا گردد. طوبیا چنین آغاز کرد:
«ای خدای پدران ما، تو متبارک هستی (یونانی) دان: ۲۶:۳ و نامت در همه نسل ها جاودانه متبارک است!
باشد که آسمان ها تو را متبارک دارد و همه آفرینش در همه قرن ها!

- n. این حرکات تصادفی و اتفاقی نبود بلکه دارای ارزش آداب و رسوم مذهبی است. متن ولگات و ویژگی آیین نیایشی این قطعه را با تأکید بیشتر روایت کرده است.
o. متن کوتاه می افزاید که: «مهر خود را بر آن زدند» اما از مضمون آن نمی کاهد.
p. این قطعه دربر دارنده برخی تفاسیل درباره نهاد و تشریفات ازدواج در یهودیت مهاجرنشین Diaspora است. برابر بندهای ۱۲-۱۴ پیوند باید مطابق مقررات تورات بوده حائز رضایت پدر دختر باشد. که با «واگذاری» زوجه و اعلام رسمی آن که به تأیید عقد کتبی رسیده باشد، دارای قوت قانونی و اجرایی می گردد.
q. ر.ک. ۱۲:۷ توضیح.
r. در متن کوتاه سارا است که گریه می کند و مادرش وی را تسلی می دهد.
s. متن کوتاه: بدل به فیض کند.
t. متن دراز: به مصر گریخت.
u. ر.ک. ۱۲:۷ توضیح.

- ۶ این تویی که آدم را آفریدی ۷:۲ بید
و حوا زنش را چون یار و پشتیبان برایش
ساختی ۲۲، ۱۸:۲ بید، ۲۹:۳۶ بنسی
- و نوع بشر از این دو زاده شده اند.
این تویی که گفته ای:
خوب نیست مرد تنها باشد، ۱۸:۲ بید
برایش یک یار مشابه بیافرینم.^۷
اینک، این به خاطر لذت (هوس هایم) ۱۲:۴
نیست
که خواهرم را که اینجاست می گیرم،
بلکه با تمام صداقت^۷.
فرمان ده که رحمت شامل حال ما گردد،
به او و به من و ما به پای هم پیر شویم.»
۸ آنان با هم گفتند: «آمین! آمین.»^۹ و
شب را خفتند.
۱۰ با وجود این، رعوئیل برخاسته و
نوکرانش را فراخوانده و رفته گوری
کنند. زیرا به خود گفته بود: «ممکن
است بمیرد و ما موجب مسخره و طعنه
خواهیم گردید.»^{۱۱} وقتی از کندن گور باز
ایستادند، رعوئیل به خانه بازگشت و زنش
را صدا کرد^{۱۲} و گفت: «یکی از کنیزان را
بفرست تا وارد شده ببیند آیا زنده است،
تا اگر مرده باشد پیش از آن که کسی با خبر
شود خاکش کنیم.»^{۱۳} آنان کنیزک را
فرستادند، چراغ را روشن کرده و در را باز
کردند: کنیزک وارد شده و دید که هر دو
- در خوابی عمیق فرو رفته اند.^{۱۴} کنیزک
برای خمردادن بیرون شد: «وی زنده
است! خبر حزن انگیزی نیست.»^{۱۵} آنان
خدای آسمان را متبارک خواندند^x و
گفتند:
«ای خدا به هر تبارک پاکی متبارک
باشی!
باشد ترا در همه قرن ها^{۱۶} متبارک خوانند!
از این که مرا شاد گرداندی متبارک
باشی،
آن چنان که من تصور می کردم نشد،
بلکه تو با ما به رحمت بزرگ خود رفتار
کردی.
۱۷ از این که به دو فرزند یکتا رحمت ۱۵:۶:۱۵:۳
آوردی متبارک باشی،
ای قادر متعال بدیشان رحمت و سلامت ۴:۸:۱۲:۷
عطا فرما
و آن چنان کن که زندگانشان در شادی و
سلامت سپری شود.»
۱۸ آنگاه به نوکرانش دستور داد تا پیش
از سپیده دم، گور را پرکنند.
- ضیافت عروسی**
۱۹ و به زنش دستور داد مقدار زیادی نان ۷-۶:۱۸ بید
تهیه کند، بعد به سوی گوسفندان رفته از آن دو
گاو و چهار قوچ جدا کرده و دستور داد تا آن را
عمل آورند و به تهیه مقدمات پرداختند.

۷. این آیه تنها آیه در کتاب مقدس است که امر ازدواج را به باب پیدایش ۱۸:۲ مرتبط می گرداند ر.ک. مت ۵:۱۹-۴:۵؛ مر ۱۰:۶-۸ که در ارتباط با بید ۱:۲۷:۱:۲۴:۲ است.

۸. یعنی موجب پیشامد برای احتراز از ازدواج غیر مشروع ر.ک ۱۲:۴ متن ولگات چنین تفسیر می کند: انگیزه طوبیا اراده وی مبنی بر داشتن نسل است.

X. متن کوتاه غابیلوس برکت داد

Y. قرن ها. به روایت متن کوتاه: باشد که مقدسان تو و همه آفریدگان تو را متبارک خوانند!

باشد که همه فرشتگان و همه برگزیدگان تو در سراسر قرن ها تو را متبارک خوانند!

سوگند او رفتار کنم.»^۵ رفائیل با چهار نوکر و دو شتر به سوی ری ماد رفت، و شب را نزد جبعلیل بسر آورد. به وی رسید کتبی^۶ خودش را داد و به اطلاعش رساند که طوبیا، پسر طوبیت زن گرفته او را هم به عروسی^۷ دعوت کرده است. جبعلیل برخاسته، کیسه های مهور به مهر را بر شمرده و بار شتران کرد.

^۸ با هم صبح زود برخاسته به عروسی آمدند. به خانه رعوثیل وارد شده طوبیا را بر سر سفره یافتند. وی برای سلام برخاست، (جبعلیل) اشکش سرازیر شد وی را برکت داد و گفت: «پسر شریف و ۶:۷ سخاوتمند از پدری شریف و سخاوتمند، عادل و نیکوکار! باشد که خدا تو را برکت آسمانی دهد، به تو و به زنت، به پدرت و به مادر همسرت. مبارک باد خدا از این که طوبیت برادرزاده ام را در دیگری که ۲:۷ همچون خود اوست دیدم!»

طوبیت و حنا در انتظار

۱۰ با وجود این، هر روز پس از روز دیگر طوبیت روزهای سفر را از ۴-۳:۹ رفتن تا بازگشت برمی شمرد و وقتی روزها

^{۲۰} طوبیا را فرا خوانده به وی گفت: Z: «تا چهارده روز^a از اینجا تکان نخواهی خورد بلکه اینجا می مانی و در خانه من خواهی خورد و خواهی نوشید و روح دخترم را پس از این همه بلا، شاد خواهی کرد.»^{۲۱} از تمام داراییم از هم اکنون نصفش را بردار و صحیح و سالم بسوی پدرت برو. نصف دیگرش نیز وقتی من و زخم مردیم از آن شما خواهد بود. قوی باش، فرزندم! من پدرت هستم و عدنا مادرت است. ما از هم اکنون و تا به ابد به نزد تو و خواهر تو هستیم. قوی باش، فرزندم!^b»

استرداد بهره پول

۹ آنگاه طوبیا رفائیل را فرا خوانده و به وی گفت: ^۲ «بردارم، عزریا با خود چهار نوکر و دو شتر بردار، به ری نزد جبعلیل برو رسید کتبی را به وی ده، پول^c را بگیر و جبعلیل را با خودت برای عروسی همراه بیاور^{۳-۴} می دانی که پدرم روزشماری می کند و اگر حتی یک روز هم درنگ کنم وی را بسیار اندوهگین خواهد کرد. می بینی که رعوثیل به چه سوگند^d یاد کرده است و من قادر نیستم برخلاف

پید ۵۴:۲۴-۵۵

تث ۲۴:۵
۱۲:۶۱۰:۵
۱۳-۱۲:۱۰

۹

۳:۵

۱:۱۰

Z. متن کوتاه می افزاید یا سوگند: این دقت نظر برای درک بقیه مطلب ضرورت دارد: ر.ک. ۸:۱۰، ۴-۳:۹.

a. معمولاً عروسی هفت شبانه روز طول می کشید ر.ک. پید ۲۷:۲۹-۲۸؛ داویر ۱۰:۱۴، ۱۲، ۱۷، ۱۸؛ طوبیت ۱۹:۱۱ از متن کوتاه.

b. متن کوتاه به طرز چشمگیری تمام جمله را مختصر می گرداند.

c. دیده می شود که باز پس گرفتن پول هدف اولیه مسافرت بوده است (ر.ک. ۳:۴ توضیح): میراث واقعی که خدا برای طوبیا کنار گذاشته، ساراست. مسلماً دارایی های مادی خود در حکم پاداش مشروعی هستند (۶:۱۲، ۸:۲۱، ۱۰:۱۰، ۱۳:۱۴) اما اهمیت آنها فرعی است.

(۴:۲۱، ۵:۱۹-۲۰؛ ر.ک. ۵-۱:۱۲) که هدف آن توزیع بحسب صدقه است (۱:۳، ۱۶:۱۴، ۲:۴-۷:۱۱، ۱۶:۶-۷:۱۲؛ ر.ک. ۲:۱۰، ۱۴:۱۰-۱۱).

d. ر.ک. ۲۰:۸ توضیح.

e. تحت اللفظی: سند کتبی منظور نصف سند را که طوبیت نگاه داشته بوده است (۳:۵).

f. متن کوتاه دنباله آیه ۶ را حذف می کند (متن حاضر متن بلند است).

به سر آمد چون پسرش آنجا نبود،^۲ با خود گفت: «شاید آنجا^g گرفتار شده است؟ یا جبعل مرده است و کسی نبوده است تا پول را به وی بدهد؟»^۳ پس غمگین گردید.^۴ حنا زنش می گفت: «فرزندم از بین رفته است، دیگر وی در میان زندگان نیست.»^۵ شروع به گریستن کرده و بر پسرش مویه می کرد و می گفت: «بدا به حال من، فرزندم! چرا گذاشتم بروی، تو که نور دیدگانم بودی!»^۶ طوبیت به وی گفت: «خاموش، خود را رنجه مدار خواهی^h، وی سلامت است و فقط مطمئناً در آنجا مانعی برایشان به وجود آمده است. مردی که با وی رفته است فرد مطمئنی است و یکی از برادران ماست. درباره وی غمگین مشو خواهی. به زودی خواهد آمد.»^۷ اما زن به وی گفت: «این سخنان را بس کن! دیگر برایم قصه نگو: فرزندم از بین رفته است.» و هر روز مترصد جاده ای بود که پسرش از آنجا رفته بود، احدی را باور نداشت. وقتی خورشید غروب می کرد باز می گشت و تمام شب را ناله می کرد و اشک می ریخت بی آن که بتواند به خواب رود.

طوبیا در راه بازگشت ۲۰:۸

^۸ وقتی چهارده روز عروسی را که رعوثیل به آن سوگند خورده بود تا برای دخترش بجا آورد، بسر رسید طوبیا به نزدش شده و به او گفت: «بگذار بروم زیرا من می دانم که پدرم و مادرم گمان می کنند که دیگر مرا نخواهند دید. پس ای پدر از تو

g. متن کوتاه آیا در صدد رفع مانعی اند؟

h. ر.ک. ۱۲:۷ توضیح.

i. متن کوتاه: پدر و مادر همسرت را محترم مدار.

خواهش دارم بگذاری نزد پدرم بروم قبلاً به شما گفته بودم چگونه وی را ترک کرده ام.»^۹ رعوثیل به طوبیا گفت: «فرزندم بمان، بامن بمان و من به نزد پدرت پیغام خواهم فرستاد که وی را از همه اخبار مطلع گردانند.» اما طوبیا به وی گفت: هرگز، خواهش دارم بگذاری از اینجا برای رفتن به سوی پدرم بروم.»^{۱۰} همان لحظه رعوثیل، سارا زنش و نصف دارایی اش را از خادمان، کنیزکان، گاو و گوسفند، الاغ و شتر، لباس و پول و اثاث، به طوبیا واگذار کرد.^{۱۱} آنها را به سلامت روانه نموده و طوبیا را بدرود گفته، افزود: «فرزندم خود را خوب نگاه دار، برو و خود را خوب نگاه دار! باشد که خدای آسمان شما را موفق گرداند. تو و سارا همسرت را و باشد که بتوانم فرزندانان را پیش از مرگ ببینم.»^{۱۲} به سارا دخترش گفت: «به نزد پدرشوهرت^۱ برو زیرا از این پس آنها اولیای تو باشند به مانند آنانی که به تو زندگانی داده اند، دخترم به سلامت برو، باشد که از تو تازه ام جز خوبی چیزی نشنوم.» از آنان وداع کرده و گذاشت بروند.^{۱۳} عدنا به طوبیا گفت: «فرزند و برادر عزیز، باشد که خدا ترا هدایت کند و بتوانم در زندگانی فرزندان و فرزندان سارا، دخترم را پیش از مرگ ببینم! در برابر خدا دخترم را به حفاظت تو می سپارم، هیچ روزی از زندگانیت او را غمگین مدار. فرزندم به سلامت برو! از این پس، من مادرت و سارا خواهرت است. باشد که همه

۲۱:۸
پید ۳۵:۲۴

پید ۲۸:۴۵

۳:۴

۲۱:۸

۱۲:۷

آنکه به پدرش برسند گفت: «می دانم که چشمانش باز خواهد شد.^۸ کیسه صفرای ماهی را بر چشم هایش بگذار: دارو بر ۱۲-۱۱:۹:۶ سفیدی‌ها فشار آورده و آنها را از چشم هایش زائل خواهد کرد، پدرت دیدش را باز یافته و نور را خواهد دید.»

۱۳:۱۱ ۹ (حنا) دوبده، به گردن پسرش آویخته و به وی گفت: «فرزندم، ترا دیده‌ام! حالا می توانم بمیرم و سرشک باریدن گرفت. ۳۰:۴۶ پید ۱۰ طوبیت برخاسته و در حالی که می لنگید از در حیاط بیرون شد^{۱۱} طوبیا به سوش رفت درحالی که کیسه صفرای ماهی را در دست داشت. در چشمانش دمید و در حالی

۱۰:۵ که وی را گرفته بود گفت: «پدر، طاقت بیار!» دارو را بروی نهاد و نگاه داشت^m. ۹:۶ ۸:۱۱ ۱۲ سپس با دو دستش فلس‌ها را از گوشه‌های چشمانشⁿ برکند. ۱۳ (طوبیت) به گردن وی آویخته، سرشک باریدن گرفت و به او گفت: «پسرم تو را دیدم ای نور دیدگان من!»^{۱۴} سپس او گفت: ۵:۱۰

«خدا متبارک باد!

نام بزرگش متبارک باد!

تمام فرشتگان مقدسش متبارک باد!

باشد که نام بزرگش بر ما باشد،

با هم در تمام روزهای زندگانی مان خوشبخت باشیم!» آنان را به گرمی در آغوش فشرد و گذاشت به سلامت بروند. ۱۴ طوبیا شاد و خرم پس از آن که خدای آسمان و زمین، پادشاه عالم را از این که مسافرتش را قرین موفقیت کرده است متبارک خواند، رعوئیل را ترک نمود. رعوئیل به وی گفت: «باشد که سعادت احترام به اولیایت را هر روز از زندگانی‌اشان^۱ داشته باشی!»

شفای طوبیت

۱۱ وقتی به نزدیک یهای «قصرین^k» که در برابر نینواست رسیدند، رفائیل گفت: ۲ «می دانی که چگونه پدرت را ترک کردیم،^۳ پیش از همسرت برویم و خانه را آماده کنیم تا دیگران برسند.»^۴ هردو باهم رفته و رفائیل به او گفت: «کیسه صفرا را در دستهایت بگیر.» سگ با آنان، از پی^۱ رفائیل و طوبیا روان بود. ۷:۱۰ ۵ حنا بر جاده نشسته مترصد پسرش بود. ۶ و او را دید که دارد می آید، و به پدر گفت: «پسرت با مردی که با وی رفته بود داردمی آید.»^۷ رفائیل به طوبیا پیش از

پید ۲۸:۴۶

۹:۱۱ پید ۲۹:۴۶

۲۰:۱۵

ج. ع

بارت «ایولیدرا» از متمم‌های بعدی است. تمامی جمله جا به جا شده است زیرا رعوئیل قبلاً خداحافظی کرده بود. اگر به دنبال آیه ۱۲ خوانده شود بیشتر مفهوم خواهد شد، پس از عبارت «مانند آئنی که به تو زندگنی داده اند» که هم این معنی را روایت مذکور در توضیح قبلی مشهود است. یکی از ترجمه‌ها شکل را تغییر جهت داده است: طوبیا به اولیای همسرش گفت: «باشد که خدا مرا ارزانی دارد تا به هر روز از زندگانی‌تان شکر محترم بدارم» متن کوتاه برکات رعوئیل و همسرش مدنا را شامل طوبیا می‌گرداند.

k- محلی نامشخص.

l- به جای سگ در متن بلخدا نوشته شده است! که برابر متن کوتاه این مطلب باید تصحیح گردد (ر.ک. به ۱:۶) در برخی از نسخ سگ از جلو آنان می‌رود به ویژه متن ولگات که علاوه بر آن می‌افزاید که سگ شادی خود را با جنباندن دمش نشان می‌دهد.

m «نگاه داشت» می‌توان متن را، ترجمه برحسب حدس و گمان به علت دلائل و شواهدی چند تغییر شکل داد: تا دارو جذب شود.

n همچنین ممکن است چنین استنباط شود که خود طوبیا چشمان را مالیده است.

برکت و شادی! وارد شو دخترم.»^{۱۸} در این روز برای همه یهودیانی که در نینوا بودند شادی بود.^{۱۹} «احیقر» و «ناباد» برادر ۱۰:۲ زادگانش نیز باشادمانی^s نزد طوبیت^t آمدند.

رفائیل فرشته خود را می‌شناساند

۱۲ ^۱ چون عروسی تمام شد، طوبیت، طوبیا پسرش را فرا خوانده و به وی گفت: «فرزندم مزد مردی را که با تو ۱۴:۴ رفته بوده است داده و چیزی هم به مزدش ۱۶:۵ اضافه کن.»^۲ او به وی گفت: «پدر چقدر به وی مزد بدهم؟ اگر نصف آنچه را با خود آورده‌ام به او بدهم چیزی گم نکرده‌ام. ^۳ مرا صحیح و سالم باز آورده است، زخم را شفا داده است، با خود پول را آورده است و تو را شفا داده است. پس چقدر به عنوان مزد باید به وی بدهم؟»^۴ طوبیت گفت: «فرزندم، به جاست که نصف آنچه را که در بازگشت داشته، دریافت دارد.»^۵ طوبیا وی را فرا خوانده و گفت: «نصف آنچه را در بازگشت داشته‌ای به جای مزد بردار و به سلامت برو.»^۶ آنگاه (رفائیل) هر دو را محرمانه صدا کرده و گفت: «شایسته است^t خدای را متبارک خوانده و ستایش کنید، در برابر ۴:۱۳ همه زندگان به خاطر نیکی‌هایی که به شما

و همه فرشتگان در همه قرن‌ها متبارک باشند!

زیرا مرا به تازیانه زده بود و اینک پسرم طوبیا^o را می‌بینم!»^۵ طوبیا، شادمان خدای را با صدای بلند متبارک می‌خواند^p و وارد شد. طوبیا پدرش را مطلع گرداند که سفرش موفقیت آمیز بوده، که پول‌ها را آورده و چگونه سارا، دختر رعوثیل را به همسری گرفته است:» و اینک است که وارد شود او اکنون دم دروازه نینوا است.»

^{۱۶} طوبیت به استقبال عروس خود بیرون شد و خدای را تا دروازه نینوا متبارک می‌خواند. اهالی نینوا وقتی وی را دیدند که با تمام نیرو در حال قدم زدن و گشتن است بدون آن که کسی او را راهنمایی کند به شگفت در آمدند، در حالی که طوبیت در برابر آنان اعتراف می‌کرد که خدا بر وی ترحم فرموده و چشمانش را گشوده است.^{۱۷} چون نزد سارا همسر طوبیا پسرش رسید، طوبیت وی را برکت داده و گفت: «ای دخترم خوش آمده‌ای! خدایت متبارک باد که تو را به نزد ما رهنمون گردانیده است ای دخترم! پدرت متبارک باشد، طوبیا پسرم متبارک باشد و تو ای دخترم متبارک باشی! به سلامت وارد خانه شو با

o- متن کوتاه همه نیایش را به دوم شخص ادا می‌کند.

p- در متن بلند آمده است با تمام بدنش (به یونانی Soma) اما احتمالاً باید «با صدای بلند متبارک می‌خواند، خوانده شود (یونانی Stoma) (ر.ک. ۷:۱۳).

q- در متن‌ها «نادان» Nadan آمده است که از روی کتاب حکمت احیقر باید تصحیح گردد (ر.ک. ۱۰:۱۴ توضیح) به «ناباد». r- درباره خویشاوندی بین احیقر و طوبیت ر.ک. ۲۱:۱ توضیح.

s- در متن کوتاه به روایت دیگر در همین آیه ۱۹: احیقر (اخییحار خوانده می‌شود) با برادرزاده‌اش ناسباس Nasbas آمده ازدواج طوبیا را با شادمانی به مدت هفت شبانه روز جشن گرفتند.

t- شایسته است: ترجمه برابر متن کوتاه.

نیایش می کردی، همچینین سارا، این من بودم که یادآوری^w نیایش تو را در بارگاه جلال خدا عرضه داشتم و همچینین وقتی ۱۶:۳ مردگان^x را به خاک می سپردی. ۱۳ و وقتی ۱۸-۱۷:۱ تردید نکرده برخاستی و غذای خود را برای به خاک سپردن مرده جا گذاشتی^y، آنگاه ۴:۲ من برای تجربه کردن تو، به سوی تو فرستاده شدم. ۱۴ اما خدا مرا برای شفا دادن تو هم فرستاده بود، و نیز سارا عروس تو. ۱۵ من ۱۹:۱ لو:۱ مگا:۸ رفائیل هستم. یکی از هفت^z فرشته که به بارگاه جلال^a خدا وارد می شوند و حضور دارند.»

۱۶ هر دو پربشان گردیدند، بر چهره داور ۲۰:۱۳ افتاده و هراسیدند. ۱۷ اما وی به ایشان گفت: «مهراسید! آرامش بر شما باد! جاودانه خدای رامتبارک خوانید! ۱۸ آنچه مراست، وقتی با شما بودم، صرفاً به خاطر خوش خدمتی من نبوده است که با شما بوده ام، مگر به خواست خدا؛ هر روز وی را متبارک خوانید، وی را بسرایید. ۱۹ شما به من می نگرستید درحالی که من هیچ داور ۱۶:۱۳ نمی خوردم، این شبیحی^b بود که شما

کرده است او را مبارک خوانید و نامش را بسرائید. همه را به شایستگی از کارهای خدا آگاه دارید و از سپاسگزاری وی غفلت نکنید. ۷ راز^u شاه را پنهان نگاه داشتن نیکوست، اما کارهای خدا را آشکار کردن و به شایستگی سپاس داشتن، نیکوتر است.

۱- پطر ۱۳:۳ نیکی کنید و بدی شما را فراموش کنید. ۸ نیایش با روزه و صدقه و با عدالت بهتر است تا ثروت با ظلم^v. صدقه دادن بهتر است از زر اندوختن. ۹ صدقه از مرگ می رهند و همه گناهان را پاک می گردانند، آنان که صدقه می دهند از زندگانی سیر خواهند شد. ۱۰ آنان که مرتکب گناه و ظلم می گردند خود دشمن خویش اند.

۱۱ من از همه حقیقت شما را آگاه خواهم گردانید بدون آن که چیزی از شما مخفی کنم. قبلاً شما را مطلع کرده و ۷:۱۲ گفته ام: نیکوست راز پادشاه را پنهان داشتن اما کارهای خدا را نیکوتر است با ۶-۲:۳ درخشش آشکار گرداندن. ۱۲ پس وقتی ۱۵-۱۱

ii یا «سر» (ر.ک. بنسی ۲۲:۲۲؛ ۲۷:۱۶).

v- متن کوتاه. نیایش با دهان روزه، صدقه و عدالت؛ اموال اندک با عدالت بهتر است از اموال بسیار بدون عدالت.

w- معنای یادبود در کتاب مقدس به معنای همه کردارهای بشری است (ادعیه و اوراد، نیایش، قربانی، جشن، اعمال نیکو...) که می توانند خدا را برانگیزانند تا «یادی» مساعد از آفریده خود بکند (ر.ک. خروج ۳:۱۵ توضیح. اع ۱۰:۴ توضیح) به نقش میانجی فرشته توجه کنید (ر.ک. ایوب ۲۳:۲۳-۲۴؛ مگا ۸:۳-۴؛ طوبیت ۱۲:۱۵ متن کوتاه).

x- در متن کوتاه آمده است: در آن هنگام من نزدت بوده ام.

y- این تجربه همانا نابینایی بود. در متن کوتاه آمده است: عمل نیکوی تو از خاطر من زدوده نشد اما من با تو بوده ام.

z- انعکاسی به عقیده درباره هفت فرشته (ملک مقرب) را در زکریا ۴:۱۰؛ مگا ۱:۳؛ ۴:۱؛ ۵:۴؛ ۶:۵؛ ۸:۲ یافت می شود. در کتب متون برحق تنها از میکائیل، جبرئیل و رفائیل نام برده می شود اما در متون تحریفی این فهرست تکمیل شده است. بارگاه آسمانی خدا به صورت دربار یکی از شاهان دوران کهن نشان داده شده است. ر.ک. استر ۱:۱۴؛ متن عبری عزرا ۷:۱۴.

a- متن کوتاه: من رفائیل یکی از هفت فرشته مقدس هستم که نیایش مقدسان را عرضه داشته و به بارگاه جلال قدوس وارد می گردم.

b- به نسخ دیگر: هر روز خود را به تو مرئی می داشتم، نه می خوردم نه می آشامیدم اما شما در برابر شبیحی بودید. در هر دو مورد فرشته توهم به خوردن و آشامیدن ایجاد می کرد درحالی که هیچ چیزی وجود نداشت.

^۵ برای خطاهایمان ما را تازیه می زند
اما باز ترحم می کند

و ما را از میان همه ملت ها گرد خواهد نت ۳۰:۳۰
آورد،

در آنجا که پراکنده شده اید.

^۶ اگر با تمام قلب و با تمام روحتان
برای بجای آوردن حقیقت^f در برابرش
به سوی او باز آیید
تث ۳۰:۳۰
زک ۱:۳
ملا ۷:۳
یو ۴:۶
یو ۳:۲۱

آنگاه است که به سوی شما خواهد آمد
و هرگز چهره اش را از شما نخواهد
پوشاند.

^۷ بنگرید آنچه با شما کرده است
و وی را با تمام (قلب) سپاس گوید.

خدای عدالت را متبارک خوانید،

شاه قرن ها را بسرایید.

اش ۱۱:۱۳
۱ تیمو ۱:۱۷

^۸ آنچه مراست^g وی را در سرزمین
اسارتم ستایش می کنم

و قدرت و عظمت او را به ملتی اش ۱:۴
گناهکار^h نشان می دهم،

باز آیید ای گناهکاران و در برابر او به
عدالت عمل کنید،

چه کسی می داند که او شما را نپذیرد
و بر شما رحمت نیاورد؟

^۹ خدایم را می سرایم،
دان ۳۴:۴

روح پادشاه آسمان را (می سراید)،
اش ۱۳:۱۳، ۱۷
عظمت وی را جشن می گیرد.

می نگریدستید.^{۲۰} و اینک خدای را بر زمین
متبارک خوانید و وی را سپاس گوید.

اینک من به سوی کسی بالا می روم که مرا
فرستاده است، آنچه شما را فرا رسیده،
داور ۲۰:۱۳
یو ۱۷:۲

بنویسید.^c و وی بالا شد.^{۲۱} آنان
برخواستند اما دیگر وی را نتوانستند ببینند.

^{۲۲} آنان خدای را متبارک خوانده و
بسرودند و وی را به خاطر این همه کارهای
بزرگ سپاس داشتند؛ فرشته خدا به آنان
پدیدار گردیده بود!

سرود طوبیت

^۱ طوبیت گفت^d:

۱۳

^۲ متبارک باد خدایی که جاودانه
می زیید.

(متبارک باد) ملکوت وی!

زیرا تازیه می زند و رحم می آورد،

به هاویه فرود می برد و از آن بر می کشد
و هیچکس از دست وی گریزی ندارد

^۳ بنی اسرائیل، در برابر ملت ها او را
بسرایید،

اش ۱۹:۴
اسمو ۶:۲-۷
حک ۱۳:۱۶
تث ۳۹:۳۲
حک ۱۵:۱۶

زیرا ما را در میان آنان پراکنده است.

^۴ در آنجا، عظمت وی را بشناسانید^e،

وی را در برابر همه زندگان بسرایید،
۶:۱۲

زیرا وی خدا و خداوند ماست،
اش ۱۶:۶۳
۷:۶۴

وی برای همه قرن ها پدر ماست

c- طوبیت با معرفی خود که کتاب را به دستور رفائیل نوشته است، حائز صلاحیت الهی می گردد.

d- متن کوتاه. و طوبیت نیایشی از سر شادی نوشت و گفت. سرود این فصل برای نشان دادن آن است که اعمال خدایی بر حسب مشیت به تحقق می رسند (ر.ک. خروج ۱۵:۱-۱۸؛ داور ۲:۵-۳۱؛ یهودیه ۱۶:۱-۱۷) که مرکب از یک مزمور ستایشی درباره سطوت و سلطنت خدا خطاب به بنی اسرائیل است (آیات ۲-۱۰) و قطعه ای به پیامبرانه از منظر جهانی درباره آینده اورشلیم (آیات ۱۰-۱۸).

e- متن کوتاه آنجا را نشان دهید.

f- ر.ک. ۶:۴ توضیح.

g- از این جا به بعد و تا میانه آیه ۱۱ متن بلند دارای افتادگی است که آن را با متن کوتاه تکمیل می کنند.

h- اینجا منظور قوم بنی اسرائیل است (ر.ک. اش ۴:۱).

^{۱۰} باشد که همه وی را در اورشلیم بستایند

و بگویند: «ای اورشلیم، شهر مقدس^۱!»

خدا ترا به خاطر اعمال فرزندان تو به تازیانه زده است

اما از سر نو به فرزندان عادلان رحم خواهد آورد.

^{۱۱} خدا را به شایستگی ستایش کنید،

خدای قرنها را متبارک خوانید

برای آن که از سر نو خیمه او در شادی برای تو زده شود.

^{۱۲} برای آن که اسیران در تو شادی نمایند، که بدبختان در تو محبت شوند،

برای^k همه نسل ها، جاودانه

^{۱۳} ملت های بسیار از دور دست ها

به سوی نام خدا^۱ روی می آورند

در حالی که در دست های خود هدایا دارند، هدایایی برای پادشاه آسمان،

از نسلی به نسلی تو را خرمی بخشند.

^{۱۴} ملعون باد همه کسانی که ترا منفور می دارند،

متبارک باد جاودانه همه کسانی که به تو محبت^m دارند

^{۱۵} شادی کن، و به خاطر پسران عادلان خوشی نما،

زیرا گرد خواهند آمد

و خداوند عادلان را متبارک خواهند

اش: ۱:۵۲
مکا: ۲:۲۱، ۱۰

:۷:۱۳
۱۷: تیمو

اش: ۱:۹، ۶:۴۹
اش: ۵:۳، ۶:۰
مکا: ۲۶:۲۴، ۲۶

۱۷:۹، ۱۳

اش: ۱۸:۶۵
اش: ۱۴:۶
بار: ۳۱:۴

خواند.

آری، خوشبخت آن که به تو محبت دارد.

آنان از آرامش تو، شاد خواهند گردید.

^{۱۶} خوشبختان آنان که از همه بلاهای تو غمگین گردیده اند!

زیرا با دیدن همه شکوهت در تو شادی

یابند و جاودانه وجد نمایند.

باشد که روح من، خدا پادشاه بزرگ را

متبارک خواند،

^{۱۷} زیرا اورشلیم بنا خواهد گردید:

دیوارهایت از زمرد و عقیق و سنگ های گران بها خواهد بود،

برج ها و دژهایت از زرناب،

کوچه های اورشلیم از کاشی، فیروزه،

یاقوت و از سنگ های او فیر خواهد بود.

^{۱۸} و همه کوچه ها خواهند گفت: هلولویاه! (چنین) پرستش خواهند نمود:

خدای متبارک باد!

که برای همه قرن ها (وی) را ستوده است!

^{۱۴} این چنین سخنان سپاسگزاری طوبیت به پایان رسید.

مرگ طوبیت

^۲ و در آرامش به سن صد و دوازده

سالگیⁿ در گذشت. و در نینوا با احترام به

خاک سپرده شد. وقتی از (نور)

i. قوم یهود در جامعه مهاجر، غربت خود را موقتی می داند. اندیشه دائم اورشلیم، حسرت ستایش گذشته را در دلش برمی افروزد (ر.ک. ۴:۱، ۶-۷:۵؛ ۱۴:۵) اما همچنین امید به این که شهر دوباره تجلی یافته روزی جای صلح و آرامش اقوام جهانی خواهد گردید ر.ک. (۱۳:۱۳؛ ۱۴:۵-۷).

j. متن بلند که از آیه ۸ به بعد وجود ندارد در این جا با خواندن: خیمه او در شادی برای تو زده شود، از سر گرفته می شود. k. متن بلند: «و» تصحیح برابر متن کوتاه.

l. اورشلیم.

m. که تو را باز خواهند دید. در متن دیگری آمده است: که تو را خواهند ساخت.

n. متن کوتاه فقط در این جا سن طوبیت را به هنگام مرگ بازگو می کند اما در آیه ۱۱ (باز متن کوتاه) رقم آن را ۱۵۸ سال روایت می کند.

- دیدگانش^o محروم گردید شصت و دو سال داشت و پس از آن که دید خود را باز یافت، در فراخی و غنا بسر برد و صدقه‌ها بداد. باز پرستش خدای را ادامه داده و عظمت وی می ستود.
- ۹-۸:۱۲
-۱۷،۶:۱۲
۲۰،۱۸
پید۴۷:۲۹؛
۱:۲۰اد۱
- ۳ به هنگام مرگ، پسرش طوبیا^p را فرا خواند و به وی دستورهایی داد و گفت^q: «فرزندم فرزندان را بیاور. ۴ به سوی ماد بشتاب، زیرا من به سخن خدا درباره نینوا^r که ناحوم نبوت کرده است ایمان دارم: همه چیز روی خواهد داد و بر آشور و نینوا فرود خواهد آمد، آنچه را پیامبران اسرائیل که از سوی خدا فرستاده شده اند گفته اند، همه اتفاق خواهد افتاد، هیچ چیز از سخنان آنان نخواهد افتاد همه چیز در هنگام خود روی خواهد داد و در ماد بیشتر می توان در امنیت بود تا در آشور یا بابل. زیرا من می دانم و ایمان دارم که آنچه را خدا گفته است به تحقق خواهد پیوست. یک کلام از سخنان خدا نخواهد افتاد. برداران ما که ساکن سرزمین های اسرائیل اند، همه پراکنده خواهند گردید و به دور از سرزمین خوب خود به اسارت برده خواهند شد. همه سرزمین اسرائیل متروک خواهد گردید. سامره و اورشلیم، متروک خواهد گردید و خانه خدا را غم فرا خواهد گرفت و زمانی
- ۱۵:۱۴
- ۵ اما از سر نو خدا بر آنان ترحم خواهد کرد، خدا آنان را به سرزمین اسرائیل باز خواهد گردانید و باز خانه (خدا) را خواهند ساخت. البته نه مانند اولی، در انتظار آن که زمان مقرر به تحقق رسد. از آن پس همه از اسارت باز خواهند گشت و به شایستگی اورشلیم را از نو بنا خواهند کرد و خانه خدا برابر آنچه درباره وی انبیاء بنی اسرائیل گفته اند در آن جا از سر نو ساخته خواهد شد. ۶ همه ملت های زمین به سوی خدا خواهند گروید^s و حقیقتاً از خدا خواهند ترسید. همه بت های خود را که باعث گمراهی آنان در گمراهی های دروغین بوده اند، کنار گذاشته و خدای قرن ها را در عدالت متبارک خواهند خواند. ۷ همه فرزندان اسرائیل که در این روزها نجات خواهند یافت، با یادآوری حقیقی از خدا گرد هم آمده به اورشلیم می آیند و جاودانه در سرزمین ابراهیم با امنیت ساکن خواهند گردید و آن سرزمین به ایشان سپرده خواهد شد. آنان شادمانی خواهند کرد که به خدا در حقیقت محبت دارند اما آنان که مرتکب گناه و ظلم می گردند، از همه زمین نیست خواهند گردید. ۸-۹ اینک فرزندانم، به شما دستور
- حزق ۱:۴
عز ۳:۱۲؛
حجی ۳:۲
- حزق ۴۰-۴۲؛
حجی ۹:۲
- لاو ۲۶:۵؛
ار ۳۷:۳۳
- حزق ۳۳:۲۴
- مز ۱۰۴:۳۵
- o- ۵۸ برابر متن کوتاه که می افزاید که کوری ۸ سال هم به طول انجامید.
- p در متن کوتاه اضافه شده است طوبیا پسر وی.
- q- آیات ۳-۱۱ به نحوی تشکیل دهنده وصیت دیگری از طوبیت است (ر.ک. ۳:۴ توضیح). قطعه حاوی یک بخش مکاشفه ای است که در آن پدر سالار (طوبیت) رویدادهای مهم آینده را بازگو می کند. (آیات ۳-۷) هم چنین یک بخش اخلاقی است که در آن قواعد رفتارهای اساسی را خاطر نشان و یادآور می گردد. (آیات ۸-۱۱).
- r ناحوم ۱-۳ به جای ناحوم، متن کوتاه اشاره به یونس دارد (ر.ک. یونس ۳:۴) درباره جایگاه سخنان نبوتی در تقوای دوران بعد از تبعید. ر.ک. ۶:۲ توضیح.
- s در برخی نسخ آمده است: باز خواهند گشت.
- t به جای کنار گذاشتن در متن کوتاه آمده است از آنها فرار خواهند کرد (ر.ک. پید ۴:۳۵؛ حزق ۱۲:۳۹).

را صدقه بوجود می‌آورد و آنچه را ظلم ایجاد می‌کند. «اینک روح من رو به زوال است.» وی را بر بستر نهادند و درگذشت. وی با احترام به خاک سپرده شد. ۲:۱۴، ۳:۴

گفتار پایانی

۱۲ وقتی مادرش مرد، طوبیا وی را در ۴:۴ کنار پدرش به خاک سپرد. سپس وی و ۴:۱۴ همسرش^v به سوی ماد حرکت کردند و در ۱۴:۱۰ اکباتان با رعوثیل پدر زنش هم مسکن گردیدند. ۱۳ با شایستگی کهنسالی پدر زن و مادر زنش را احاطه کرد، آنان را در ۲۱:۸ اکباتان ماد به خاک سپرد. وی وارث خانه رعوثیل و خانه طوبیت پدرش گردیده بود. ۱۴ وی در سن صد و هفده سالگی^w در کمال عزت درگذشت. ۱۵ پیش از مرگ از ۴:۱۴ ویرانی نینوا با خبر گردید و دید که اسرای آنجا را که کیاکسار^x پادشاه ماد به اسارت گرفته بود به ماد آورده اند. از آنچه خدا بر سر نینواییان و آشوریان آورده بود، وی را متبارک خواند. پیش از مرگ درباره نینوا شاد گردید و خداوند خدا را از قرنی به ۱۹:۳۳ قرنی متبارک خواند. آمین!

می‌دهم: «با صداقت خدا را خدمت کنید و آن کنید که او را خوشایند است. باشد که به فرزندان عمل به عدالت و صدقه و یادآوری از خدا و نامش را، در همه زمان‌ها متبارک خواندن را با راستی و با همه قدرتشان، تحمیل کنید، و اینک توای فرزندم، از نینوا بیرون شو. در اینجا نماز روزی که مادرت را در کنار من خاک کردی، حتی همان روز در قلمروش درنگ مکن. در واقع می‌بینم که در آنجا بسیار ظلم مرتکب خواهند شد و در آنجا بدون آن که کسی شرمگین گردد چه بسیار ننگ‌ها رخ خواهد داد. ۱۰ «بین فرزندم آنچه را ناداب^u برای اخیقر که بزرگش کرده به انجام رسانیده است آیا زنده به زیر خاک نرفت؟ اما خدا بی‌آبروئیش را به صورتش زد، اخیقر به نور باز آمد، درحالی که ناداب به ظلمات ابدی وارد گردید، زیرا در صد قتل برآمده بود. وی با صدقه دادن از دام ۱۰:۲ مرگی که ناداب سر راهش تنیده بود، ۱۰:۴ رهایی یافت درحالی که ناداب در دام مرگی ۹:۱۲ که خود تنیده بود افتاد و هلاک شد. ۱۱ بدین ترتیب، ای فرزندانم ببینید آنچه



ii. تحت اللفظی: «ناداب» (همچنین بعداً از روی متن حکمت اخیقر تصحیح به عمل آمده است که در آن متن شکل نام به کار رفته برادرزاده ناتنی قهرمان است). درباره تغییرات داستانی که برابر آن که در آن در آیه ۱۰ اشاره گردیده است ر. ک. به پیشگفتار.

v. در متن کوتاه اضافه گردیده است و پسرانش (ر. ک. ۱۱:۱۰).

w. متن کوتاه ۱۲۷ سال.

x. تحت اللفظی: اخینچار. متن کوتاه نبوکد نصر و اخشورش. در واقع منظور کیاکسار و نبویلصراند که نینوا را ویران کردند (به سال ۶۱۲ ق. م.).